

وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تألیف و ترجمه

زبان درسی نخو

کتاب درسی برای صنف پنجم

مطبع: مطبعه العلی (تابع)

کابل ۱۳۶۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شاگردان عزیز!

انقلاب دوران ساز شور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان
پیر و زگردید بر ضد زیربنای فرتوت و پوسیده نظام فیودالی و ساختمانهای
ناقص و بنای آن از جمله روابط طبقاتی تعلیم و تربیه به مبارزه آغاز نمود .
و برای ایجاد یک سیستم مترقی همگانی و انقلابی تعلیم و تربیه بیکار بی امان
خواهد نمود .

رژیم انقلابی و دموکراتیک در همه ساحه های زندگی جامعه ماتحولات
عمیق و بنیادی را بمیان خواهد آورد که در بخش تعلیم و تربیه برای نو سازی
و شکوفایی فرهنگ و تربیت انسان نوین تحول بزرگ آموزشی و پرورشی را
پیریزی نموده که از سر جسمه زلال انقلاب شکوهمند شور آبیاری میشود .

شاگردان عزیز!

شما از سیستم تعلیمی جدید که بر اساس حاکمیت ملی جبهه وسیع پدر وطن
و بر اساس ضرورت های مادی و معنوی مردم زحمتکش کشور طرح شده و در
کشور انقلابی و قهرمان خود استفاده میکنید . وظیفه شما نسل جوان فرا گرفتن
تعلیم انقلابی و دانش نوین است که بشریت مترقی آنرا بوسیله کار و بیکار
تدوین و تکامل بخشیده است .

تنها انسان مجهز با کسب دانش مترقی میتواند بوطن . خلق انقلاب و جریان
پیشرونده تاریخ سفید واقع گردد . هیچ سعادت و افتخار بالاتر از خدمت بخلق
و تربیه انسان اندیشمند و جو دندارد .

یاددهانی از درسهای صنف هشتم

مشق ۱. این شعر فردوسی را بخوانید و به پرسشهای بعدی آن پاسخ بنویسید و هم هر بیت شعر را به عبارت خود توضیح کنید:

به نام خداوند خورشید و ماه که دل را به نامش خرد داد راه
جز او را بدان کرد گارسپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر
به دانش گرای و بد و شو بلند چو خواهی که از بدنیابی گزند
زدانش در بینمازی بجوی و گر چند سختیت آید به روی
زنادان بنالد دل سنگ و کوه ازیراند ارد بر کس شکوه

توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر بر نا بود

(فردوسی)

پرسشها:

۱. در شعر بالا چند عبارت را اسمیابید؟
مثال: کردگار سپهر = عبارت اسمی
۲. بیت آخر شعر را عنوان قرار دهید و درباره مفهوم آن مقاله‌ی انشاء کنید؟
۳. در مصرع دوم بیت اول مبتدا و خبر را نشان دهید؟

جمله ساده
جمله

وزارت تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان افتخار دارد که که همگام با این تحول عظیم کتاب موجود را بدسترس شما قرار میدهد. امید است ازین کتاب هر چه بیشتر استفاده اعظمی بعمل آید. یقین است علم و دانش را که شما کسب مینمایید در اعمار جامعه نوین عاری از استعمار فسرده از فرد نقش پر ثمری را ایفا نماید.

مشق ۲. جمله‌های زیرین را بخوانید و رونویس کنید و به پرسشها پاسخ بنویسید:

۱. ستاره‌گان سیدر خشنند.

۲. آفتاب آخرین اشعه‌زیرین خود را بر سیداشت.

۳. سعادت نصیب زحمتکشان است.

۴. معلم و شاگردان با هم صحبت دارند.

۵. باران سبزهارا تازه و گلهارا خرم ساخت.

۶. ابرو بادوسه و خورشید و فلک در کارند.

پرسشها:

۱. از جمله‌های بالا کدام آن جمله ساده‌خلص و کدام آن جمله ساده‌منکشف میباشد؟

۲. جمله ساده‌خلص چی نوع جمله و جمله ساده‌منکشف چی نوع جمله میباشد؟

۳. در جمله‌ها مبتداهو خبرها را نشان دهید؟

۴. در جمله‌های چهار و پنج و شش کدام اجزای جمله متعدد شده است؟

۵. جمله‌های، که یکی از اجزای آن متعدد باشد، آن را چی نوع جمله ساده‌منکشف گویند؟

مشق ۳. جمله‌های زیر را بخوانید و به پرسشهای، که بعد از آنها می‌آید،

پاسخ بنویسید:

۱. استاد به درش ادا سه داد و شاگردان به دقت گوش گرفتند.

۲. فرید کتاب سیخو اند. ثریا سیبافت. سهراب کبوتران را دانه سیداد و سن

بیل سیزدم.

۳. ز سستان گذشت، اسار و سیاهی به زغال ماند.

۴. یا هو اتاریکن شده است، یا چشم من خوب نمیبیند.

پرسشها:

۱. جمله اول چی نوع جمله است؟ اگر مرکب باشد، توسط چی با هم وصل شده اند؟

۲. جمله دوم چند جمله است و هر جمله آن چی نوع است؟

۳. جمله مرکب سوم و چهارم توسط چی نوع عطف و ربط با هم پیوسته شده اند؟

۴. عطف و ربط پیهم، عطف و ربط جدایی و عطف و ربط خلافی کدامها اند؟

مشق ۴. متن زیر را بخوانید و مفهوم آن را به عبارات خود بازگو نمایید و

نوعیت جمله‌های آن را مشخص کنید:

تعلیم و تربیت سالم یعنی چی؟

تعلیم و تربیت عبارت است از انتقال خصوصیات اجتماعی مورد نیاز جامعه

و میراثهای اجتماعی سالم و سازنده به نسل جوانتر جامعه و یا میتوان تعلیم و تربیت

را ایجادگر تغییرات مطلوب در جهت رسیدن به هدفهای مطلوب دانست.

از رهگذر تعلیم و تربیت سالم است، که میتوان به رشد سریع دست یافت.

و روی همین اصل است، که هر کشوری اگر بخواهد به رشد اقتصادی برسد،

نیخست باید نظام کهنه تعلیمی را در هم ریزد و بایک انقلاب تعلیمی نظام آموزشی

نوینی را، که جو ابگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه باشد، جایگزین آن

کند. چه اگر وضع تعلیم و تربیت سالم و صحیح نباشد، نتیجه آن نیز برای اجتماع مفید

نیخواهد بود. تنه راه رسیدن به رشد اقتصادی داشتن اسکانات معدنی، منابع طبیعی و

سرمایه گذاری نیست، بلکه از همه مهمتر و جو دنیروی انسانی و متخصصین است

و این قبیل افراد را فقط مؤسسات آموزشی و پرورشی نمیتواند تربیت کند. با ایجاد

روش تعلیم و تربیت صحیح باید سیر امور اجتماعی و اقتصادی را در گذشته مطالعه

کرد و طرحی برای نو سازی آینده جاسعه پیریزی نمود .

مشق ۵ . شعر زیر را بخوانید و مفهوم هر بیت آن را به عبارت خود بیان کنید ،

بعد در کتابچه خود به سو الهای ، که بعد از شعر آمده است ، پاسخ بنویسید :

همت

گر سرد همتی زسروت نشان سخواد صد جاشهیدشو ، دیت از دشمنان سخواد

کام از فلک سخواد و داد از زمان سجوی ساء از زمین سجوی و وفاز آسمان سخواد

شریان زیوست برکش و در کام تیغ نه لبر ا گلو بگیر و ز قاتل اسان سخواد

طاووس همتی ، سر سنقار تیز کن یعنی که بال و پر نکش و سایه بان سخواد

سجس به نو حه گرم کن ، از کس نوا سجوی

خنجر به سینه تیز کن ، از کس فسان سخواد

(عرفی شیرازی)

پرسشها :

۱ . مصرعهای هر بیت شعر جمله مرکب است یا ساده ؟ اگر جمله ساده است ، چی

نوع است ، جمله ساده خلص (ناسنکشف) است یا جمله ساده تفصیلی (سنکشف) و چرا ؟

۲ . فعلهای ، که در بیتها به کار رفته ، چی نوع فعلها اند ؟

۳ . متن زیر را بخوانید و به جمله های آن خوب دقت کنید . بعد به سو الهای ،

که بعد از متن سی آید ، پاسخ بنویسید :

- ۳ -

گل و پروانه

گل ناتوان به پروانه میگفت : از من مگر یز . بین چگونگی سرنوشت ما را از هم

جدا کرده است . من میمانم ، اما تو به هر سو بخواهی بال و پر میگشایی و میروی .

با اینهمه مادل در بند سهر یکدیگر داریم و دور از مردمان در کنار هم زنده گی

میکنیم . من همچنان زندانی زمینم ، ولی تو بانسیم پرواز میکنی . چی قدر آرزو -

دارم ، مسیر ترا عطر آگین سازم ، اما تو دور میروی و سراپای ای همراهیت نیست .

تو پیوسته میان گلها در پروازی ، اما من تنها سایه خودم را نظاره میکنم .

تو سیگر یزی و بازی گردی و دوباره آهنگ جای دیگر میکنی ، اما من همچنان

بر جای ایستاده ام و اشک میریزم .

ای پروانه ! یا تو چون من در زمین ریشه کن ، یا به من بال و پری ده ، تا چون

تو پرواز کنی . (و یکتور هوگو)

حلقه کب پیوست

حلقه کب پیوست

پرسشها :

۱ . از متنی ، که خواندید ، جمله های مرکب پیوست را ، که توسط عطف

و ربط پیوسته ساخته شده با هم وصل شده اند ، نشان دهید ؟

۲ . جمله های مرکب پیوست را ، که توسط عطف و ربطهای خلافی با هم پیوست

شده اند ، معین کنید ؟

۳ . جمله مرکب پیوست را ، که توسط عطف و ربط جدایی با هم وصل شده اند ،

مشخص سازید ؟

۴ . جمله مرکب پیوست را ، که بدون عطف و ربط با هم مرتب شده اند ، نشان دهید ؟

مشق ۷ . غزل زیر عنوان (همت عالی) را بخوانید و هر بیت آن را به عبارت خود

تشریح کنید و هم به پرسشهای زیر جواب بنویسید :

همت عالی

در ساحت زمانه ز راحت نشان سخواه
 تر کیب عاقبت ز مزاج جهان سخواه
 در داغ دل بسوز و ز سر هم اثر سجوی
 باخو یشتن بساز و ز همدم نشان سخواه
 از ساغر سپهر تهی کیسه سی سخور
 و ز سفره جهان سیه کاسه نان سخواه
 همت کفیل تست، کفاف از کسان سجوی
 در یاسبیل تست، نم از ناودان سخواه
 در گوشه بی بمیر و پی توشه حیات
 خود را چو خوشه پیش کسان ده زبان سخواه
 و حدت گزین و همدمی از دوستان سجوی
 تنهانشین و همدمی از دوستان سخواه

چون دیده‌ای، که یوسف از اخوان چی دیده‌است

هم نا توان بزی و ز اخوان توان سخواه

(خاقانی)

پرسشها:

۱. هر مصرع بیت چارم چند جمله و هر مصرع چی نوع جمله است؟ در جمله‌های اول تیهاستدا و خبر کدام هاست؟

مثال: همت کفیل تست. همت: مبتدا - کفیل تست: خبر

۲. مصرع اول بیت آخر شعر چی نوع جمله است؟ اگر مرکب یاساده باشد، چی نوع مرکب یاساده است؟

۸. ستنی را، که زیر عنوان (روزهای ارغوان) نوشته شده است، بخوانید و جمله‌های مرکب تابع آن را جدا - جدا بنویسید و طبق پرسشهای زیر پاسخ

گویند:

روزارغوان

روزهای، که از دیر زمان آرزویش را به دل می‌پروراندم فرارسید. آن روزها
 اوایل بهار بود. باد ملایمی، که گویی نفس فرشته‌گان است، برگ گل و ارغوان را
 نوازش میداد. آن روزها قلب پر شور و روح زیبا پرستی داشتم. هر روز
 کنار جویباری، که از کنار ارغوانزار میگذشت، پای درختی می‌نشستم و فغان
 دل را از سینه‌نی بیرون میکشیدم.

زاری و فغان دل از لای شکایت‌های نی به گوشش رخنه کرد و در دل او نشست.
 یک روز، که شاخه ارغوان در دست داشت، از انبوه ارغوانزار سر کشید و
 روی سنگی، که دورتر از من قرار داشت، نشست.

پرسشها: از جمله‌های مرکب تابع، که جدا - جدا نوشته‌اید، جمله‌های عمده و
 جمله‌های معترضه‌شان کدام‌ها اند؟

۲. چی نوع جمله را جمله عمده میگویند؟

۳. جمله‌های معترضه توسط چی به جمله‌های عمده تابع شده‌اند؟

۴. جمله‌های معترضه جمله‌های نوشته‌شده تان چی نوع معترضه‌اند؟

مثال: باد ملایمی، که گویی نفس فرشته‌گان است، برگ گل و ارغوان را نوازش
 میداد. جمله عمده آن «باد ملایمی برگ گل و ارغوان را نوازش میداد»

جمله معترضه آن: «که گویی نفس فرشته‌گان است» میباشد. و جمله معترضه معین -
 کننده است، که اسم جمله عمده یعنی (باد) را شرح داده است.

۹. بهاریه زیر را بخوانید و مفهوم هر بیت آنرا به عبارتهای ساده بازگو
 نمایید و هم به پرسشهای، که بعد از آن می‌آید، پاسخ بنویسید:

بهار

بهارا تلخ منشین خیز و پیش آی گره واکن زابرو چهره بگشای
 بهارا، خیز و زان ابر سبکرو بز ن آبی به روی سبزه نو
 سر و روی به سرو و یاسمن بیخش نوایی نو به سرغان چمن بخش
 برار از آستین دست گل افشان گلی برداسن این سبزه بشان
 نسیم صبحدم گو، نرم بر خیز گل از خواب زمستانی بر انگیز
 گهی چون جو بیارم نغمه آموز گهی چون آذر خشم رخ بر افروز
 مرا چون رعد و طوفان خشمگین کن جهان از بانگ خشمم بر طنین کن

پرسشها:

۱. شعری را، که خواندید، هر مصرع آن از نگاه نحو چی نوع جمله است؟
۲. جمله ساده از نگاه معنی بر چند نوع است؟
۳. جمله ساده اسری چی نوع جمله میباشد؟ شما در این شعر جمله اسری دیده میتوانید؟

۴. در بیت دوم شعر چی نوع عبارت را میباید؟ اگر عبارت اسمی باشد، از چی نوع کلمه ها متشکل اند؟

۵. عبارتهای دیگر مصرع هار انشان دهید و نوعیت آنها را بیان کنید؟

مشق ۱۰. حکایت زیر را بخوانید و مفادی را، که از آن به دست می آید، بد عبارت خود بازگو نمایید و هم به پرسشهای بعدی پاسخ بنویسید:

حکایت

روزی به غرور جوانی بانگ بر مادر زدم. دل آزرده به کنجی نشست و گریان همیگفت: مگر خودی فراموش کردی، که درشتی میکنی؟
 چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن پیلتن
 گراز عهد خوردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من
 نکردی در این روز بر من جفا که تو شیر مردی و من پیر زن
 (گلستان)

پرسشها:

۱. در بیت اول کلمه عطف را نشان دهید؟
۲. در حکایت بالا جمله ساده منکشف یا تفصیلی را مشخص نمایید؟
۳. این جمله چی نوع جمله ساده است: «دل آزرده به کنجی نشست و گریان همیگفت.»

۴. در بیتهای بالا چند عطف و ربط تابع کننده میباید؟

مشق ۱۱. متن زیر را بخوانید و رو نویس کنید. بعد جمله های مرکب آن را جدا جدا بنویسید و به سو الهای، که بعد از متن می آید، پاسخ گوید:

غزالی فیلسوف

در قلمرو و پهنا و رفرف رنگ اسلامی، که از دورترین نقاط مغرب افرا تا اقصای مشرق گسترده است، هیچ دانشمند و فیلسوفی به اندازه امام ابو حامد محمد غزالی از شهرت و شناخت و احترام فرق مختلف برخوردار نبوده است.

این دانشمند بز رگ، که عمرش را به جست و جوی حقیقت و قف کرده، یکی از بز رگترین متفکران است، که در جهان کوشیده اند، تا از قید تعصب و آموخته ها و عادات خود را رها کند. و با چشمپوشی از همه اعتقادات سیرانی و سنتی به جست و جوی حقیقت پردازد. او پیشرو همه متفکران است، که در غرب در قرون جدید به جست و جوی حقیقت پرداخته اند.

زنده گینامه امام محمد غزالی نمونه عالی حیات یک انسان آزاده و دانشمند نمونه است. دانشمندی، که هیچگاه به مقامات و مناصب دولتی و دیوانی دل نبست و جز برای حقیقت برای هیچ چیز ارزش قایل نشد. پنجاه و پنج سال زنده گی کرد و دهها اثر علمی و فلسفی و عرفانی به وجود آورد. در زمان حیات و پس از سرگ در قلمرو فرهنگ و تمدن اسلامی به سر حمله بی از شهرت و عظمت رسید، که نه تنها آن شخص دیگری را در کنار او در طراز او قرار داد.

پرستشها :

۱. جمله های سر کب متن بالا چی نوع جمله سر کب اند؟

۲. جمله سر کب تابع چی نوع جمله میباشد؟

۳. جمله های عمده و جمله های متعرضه و هر یک از جمله های تابع را، که جدا - جدا نوشته اید، معین کنید و نوعیت جمله های متعرضه آنها را مشخص سازید؟

سئال : «در قلمرو و پنهان و فرهنگ اسلامی، که از دورترین نقاط مغرب افریقا تا اقصای مشرق گسترده است، هیچ دانشمند و فیلسوفی به اندازه امام ابو حامد محمد غزالی از شهرت و شناخت و احترام فرق مختلف برخوردار نبوده است.»

جمله فوق یک جمله سر کب تابع است. چرا که از دو جمله ساده تشکیل شده و یکی به دیگری توسط عطف و ربط «که» تابع گردیده است.

جمله عمده آن «در قلمرو و پنهان و فرهنگ اسلامی هیچ دانشمند و فیلسوفی به اندازه امام ابو حامد غزالی از شهرت و شناخت و احترام فرق مختلف برخوردار نبوده است.»

جمله معترضه اش «که از دورترین نقاط مغرب افریقا تا اقصای مشرق گسترده است» میباشد. و جمله معترضه معین کننده است، چرا که اسم جمله عمده یعنی «قلمرو» را تشریح کرده است.

سئال ۱۲. / تکبیه های زیر را بخوانید. جمله عمده و جمله معترضه آنها را با چگونگی جمله معترضه شان در کتابچه خود تعیین کنید :

همینکه ساغر زرین خور نهان گردید هلال عید به دور قدح اشارت کرد
بهار آمد، که بینم باز بر طرف گلستانت تومی در ساغر اندازی و من گلها به دامانت
گفتم، این جام جهانبین به تو کی داد حکیم؟ گفت، آنروز، که این گنبد مینا میگرد
عنان مال خودت را به دست غیر مده، که حق خود طلبیدن کم از گدایی نیست
سئال :

همینکه ساغر زرین خور نهان گردید هلال عید به دور قدح اشارت کرد.
جمله عمده یا جمله پایه این بیت ((هلال عید به دور قدح اشارت کرد.))
و جمله معترضه یا جمله پیر و آن «همینکه ساغر زرین خور نهان گردید» است
و جمله معترضه قید نحوی زمان میباشد. چرا که به پرسش «چی وقت» آمده است.
یعنی هلال عید به دور قدح اشارت کرد - چی وقت؟ همینکه ساغر زرین خور
نهان گردید.

مشق ۱۳ . متن زیر را بخوانید و آن را رو نویس کنید . بعد نوعیت جمله های آنها را از نگاه نحو تحلیل نمایید :

تنهایی بهتر

آورده اند، که شهید شاعر روزی تنها نشسته بود و کتابی میخواند. جاهلی به نزدیک او درآمد و گفت : «خواجه تنها نشسته است ؟» گفت : «تنها اکنون گشتم، که تو آمدی، از آنکه به سبب تو از مطالعه کتاب بازماندم.»

صحبت ابلهان چو دیگر تهیست اندرون خالی و برون سیهیست.

(جو اسع الحکایات عوفی)

مثال : آورده اند، که شهید شاعر روزی تنها نشسته بود و کتابی میخواند. این جمله جمله مرکب تابع میباشد. جمله عمده آن «آورده اند» و جمله معترضه آن «که شهید شاعر روزی تنها نشسته بود و کتابی میخواند» میباشد. و جمله معترضه پرکننده است. چرا که به پاسخ «چی را آورده اند» آمده یعنی آورده اند. چی را ؟ پاسخ : که شهید شاعر روزی تنها نشسته بود و کتابی میخواند.

مشق ۱۴ . شعر زیر را بخوانید و مفهومی را، که از آن حاصل میکنید، به عبارت خود بنویسید و هم به پرسشهای بعدی پاسخ ارائه کنید :

کشاورز

به از صنایع عالم دهقان است، که وحش و طهر را را احترسان است
ز صنایع رایگان نفعی نخیزد ز دهقان عاقبت چیزی بریزد
جهان را خرسی از دهقان است از او گه زرع و گاهی بوستان است

به راحت رازق هر مار و مورند همان گر آدمی و گرسورند

اگر دهقان چنان باشد که باید سبک گوی از مایک در باید

اگر جو یا ی قحطنان نباشد کسی را باید دهقان نباشد

به کار اندر همه مردان آکار اند عرق ریزند و قوت خلق کارند

کلید رزق قسمت سخت در سست چراغ دلفروزی در ده انگشت

به دنیا عاقلانه تخم کشتند به عقبی در گل باغ بهشتند

(ناصر خسرو بلخی)

پرسشها :

۱ . بیت اول شعر چی نوع جمله مرکب است ؟

۲ . جمله معترضه آن چی نوع معترضه است و برای ادعای تان چی دلیلی دارید ؟

۳ . جمله عمده بیت اول کدام است و چی نوع جمله را جمله عمده مینامند ؟

مشق ۱۵ . متن زیر را بخوانید و رو نویس کنید . بعد جمله های مرکب تابع آن را

جدا کنید و جمله های عمده و معترضه شان را تشخیص دهید :

زبان و زبان شناسی

السنه و زبانهای، که امروزه سه هزار میلیون او لاد آدمی بدانها رفع نیاز مندی

میکند، درست شبیه درخت کهنسال است، که هزاران برگ و شاخه دارد .

زبان شناسی یا فلولوژی علم بزرگیست، که موسسات و معی در شرق و غرب

این کره خاکمی گشوده است .

زبان دری، که اسر و ز قسمت بزرگ اهالی این سرزمین بدان افاده مطاب
میکنند، در قطار السنه جهان شاخه کو چکست. این زبان را یکی از نو ز ادان هند
وارو پایی میدانند.

به هم ن ترتیب السنه فر او ان در عالم وجود دارد، که علمای فلو لوژی آنها را
بر اساس و ازین علمی دسته - دسته به هر خانواده منسوب نموده اند. مثلاً زبان
روسی را به دسته زبانه های (سلاو) و زبان عرب و همکاران آن را به خانواده
زبانه های (ساسی) سمتیکیک مربوط میدانند.

علمای زبانشناسی به این عقیده اند، که زبانه ها و السنه درست به کردار جاندا-
ران اند. برخی، همینکه چشم به عرصه زنده گی گشوده اند، دوره های کودکی
و جوانی و پیری را سپری کرده و محو و نابود شده اند. برخی دیگر، که هنوز
در کنج و کنار عالم به حال کودکی یا جوانی و پیری حیات به سر سپرده اند، در سرور
از سنه کلمات و لغات را تغییر چهره میبخشد.

مثال: السنه و زبانه های، که اسر و ز سه هزار سلویون او لاد آدسی، که به آنها رفیع
نیازمندی میکنند، درست شبیه درخت کهنسال است، که هزاران برگ و شاخه
دارد.

جمله عمده آن: السنه و زبانه درست شبیه درخت کهنسال است.

جمله معترضه اول آن: که اسر و ز سه هزار سلویون او لاد آدسی به آنها رفیع نیاز -
مندی میکنند، البته معترضه معین کننده است. چرا که اسم جمله عمده (السنه و زبانه ها)
را معین کرده است. یعنی چی گونه السنه و زبانه ها؟ که اسر و ز سه هزار سلویون
او لاد آدسی بدانها رفیع نیازمندی میکند.

جمله معترضه دوم آن: که هزاران برگ و شاخه دارد، نیز جمله معترضه معین -
کننده است. چرا که چگونگی اسم خبر جمله عمده (درخت) را معین کرده است.

و به پاسخ سوال چی گو نه درخت آمده است. یعنی درختی، که هزاران برگ و شاخه دارد.
مشق ۱۶. شعر زیرین را بخوانید و مفهوم هر بیت آن را به عبارت خود بگویید.
بعد آن را در کتابچه خود دبنویسید. زیر جمله های عمده آن یک خط و
زیر جمله های معترضه شان دو خط بکشید و هم نوعیت معترضه آنها را واضح
سازید:

اندرز

اگر هوشمندی به معنی گرای،	که معنی بماندنه صورت به جای
کسی خ سپید آسوده در زیر گل	که خسپند از او مردم آسوده دل
غم خویش در زنده گی خور، که خویش	به مرده نپر دازد از حرص خویش
نخ و اهی، که باشی پراگنده دل	پراگنده گان را ز خاطر مهل
پریشان کن اسر و ز گنجینه چست،	که فردا کلیدش نه در دست تست
تو با خود دهر تو شئه خویشتن،	که شفقت نیاید ز فرزند و زن
کسی گوی دولت ز دنیا برد	که با خود نصیبی به عقبی برد
به پوشیدن ستر درویش کوش	که ستر خدایت بود پرده پوش
مگردان غریب از درت بی نصیب	سبادا که گردی به درها غریب
به حال دل خسته گان در نگر،	که روزی تو دلخسته باشی مگر
درون فرو مانده گان شاد کن	ز روز فرو مانده گی یاد کن
نه خواهنده ای بر در دیگران	به شکرانه خواهنده از در مران

(بوستان سعدی)

سؤال : اگر هو شمندی به معنی گرای، که معنی بدانند صورت ه جری

(جمله معترضه سبب)

مشق ۱۷ . متن زیر را بخوانید و به جمله های، که زیر آنها خط گرفته شده است، دقیق شوید. بعد آن جمله ها را به کتا بچه خود بنویسید و آنها را از نگاه نحو تحلیل کنید. ببینید، که چی نوع جمله های مرکب اند. جمله های معترضه آنها چی نوع معترضه میباشند :

شامگاهان

شامگاهان فراز سیده و خا سوشی را نیز همراه خود آورده است. از روی این تخته سنگهای دور افتاده یی، که بر آنها نشسته ام، گرد و نه شب را، که آرام پیش می آید، در دل فضای پهناور نظاره میکنم .

زهرة زیناسر از افق بر آورده و فروغ مرموز این ستاره عاشق فروش چمن را در زیر پای من سپید کرده است. شاخه های انبوه و پر برگ درختی، که در کنار من است، به زمزمه پر داخته اند .

ناگهان شعاعی از اختر شب از آسمانها جدا میشود و بر پیشانی خاموش من میگذرد، تاسبک روح و آرام پایه خانه دیده گان من گذارد .
ای پر تو لطیف، که از گوی آتشین فرود آمده ای، ای شعاع دلپذیر، از من چی میخواهی ؟ آیا به راستی تو سپیده دم آن روزی هستی، که پایانی درد نبال ندارد .

در خود هیچانی بیسابقه احساس میکنم . به یاد آنانی افتاده ام، که دیگر در این جهان نیستند. حالی، که در خیال آنها فرو رفته ام، خود در ابه آنان نزدیکتر احساس میکنم .

ای اشباح عزیز، اگر واقعاً این شما اید، که به اینجا آمده اید، باید و چون ژالده یی، که پس از گرمای روز بر گلبرگها نشیند، برای روح فرسوده من

آرامش همراه آرید .

مثال :

«شاخه های انبوه و پر برگ درختی، که در کنار من است، به زمزمه پر داخته اند.»
جمله مرکب تابع است. جمله عمده آن : «شاخه های انبوه و پر برگ درختی به زمزمه پر داخته اند.»

جمله معترضه آن : «که در کنار من است» میباشد، که به سوال در کجا جواب گفته است. در کجا شاخه های انبوه و پر برگ درخت به زمزمه پر داخته اند ؟ جواب : که در کنار من است . بنا بر آن جمله معترضه مکان میباشد .

مشق ۱۸ . غزل زیر را بخوانید، مفهوم هر بیت آن را به عبارت خود بازگو نمایید و به پر سشهای، که در آخر غزل می آید، پاسخ بگویید :

حالی که کسی را مکتوب است / و چاره کسی راه سیه در ز خود در سینه

ما نگویم بد و نیل به ناسحق نکندیم / جاسه کس سیه و دلق خود از رق نکندیم

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است / کار بد مصلحت آنست، که مطلق نکندیم

گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید / گو، تو خوش باش، که ما گوش به احمق نکندیم

حافظ، از خصم خطا گفت بگیریم بر او

و ربه حق گفت جدل با سخن حق نکندیم

(حافظ)

پرسشها:

۱. مصرع دوم بیت دوم چی نوع جمله است؟ جمله عمده یا جمله پایه آن کدام و جمله معترضه یا جمله پیر و آن کدام است و آن چی نوع جمله معترضه است؟
۲. مصرع دوم بیت سوم چی نوع جمله است؟ جمله معترضه آن چی نوع معترضه است؟

۳. در بیت اول چند مبتدا و چند خبر را میباید؟

سؤال: مصرع دوم بیت دوم جمله سر کب تابع است. جمله آمده آن «مصلحت آن است» و جمله معترضه آن «که کار بد مطلق نکنیم» میباشد و نوع معترضه اش معترضه مبتدا میباشد. چرا که به سوال (چی است) پاسخ گفته یعنی مصلحت چیست؟

پاسخ: که کار بد مطلق نکنیم.

مشق ۹. متن زیر را به دقت بخوانید. بعد جمله های را، که زیرشان خط گرفته شده است، در کتابچه خود بنویسید و آنها را تحلیل نحوی کنید:

آداب سخن گفتن

از آداب سخن گفتن این است، که شخص بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند و هر که حکایتی یا روایتی کند و او بر آن واقف باشد و قوف خود را بر آن اظهار نکند، تا آن کس سخن به اتمام رساند. و چیز را که، از غیر او پرسند، جواب نگوید.

و اگر سوال از جماعتی کنند، که او داخل آن جماعت بود، بر ایشان سبقت ننماید.

و اگر کسی به جواب مشغول شود و او بر بهتر از آن جوابی قادر بود، صبر کند، تا آن سخن تمام شود. پس جواب خود بگوید، برو جهی که در مقدم طعن نکند. و در سخاو رتی، که به حضور او میان دو کس رود، خوش ننماید. و اگر از او سخن پرسیده دارند، استراق سمع نکند. و سخن، که با او تقریر میکنند، تا تمام نشود، به جواب مشغول نگردد. و آنچه خواهد گفت، تا در خاطر مقر رنگر داند، در نطق نیاورد. و در هر مجلسی سخن مناسب آن مجلس گوید و کسی، که الحاح با او مفید نبود، بر او الحاح نکنند و سخن با ریگ با کسی، که فهم نکنند، نگوید. (اخلاق ناصری)

پرسشها:

۱. جمله اول، که زیرش خط گرفته شده است، چی نوع جمله سر کب است؟ جمله عمده (جمله پایه) آن کدام و جمله معترضه (جمله پیر و) آن کدام است و چی نوع معترضه است؟

۲. در این جمله سر کب تابع: «و در سخاو رتی، که به حضور او میان دو کس رود، خوش ننماید.» جمله عمده اش کدام و جمله معترضه اش کدام است و جمله معترضه آن چی نوع معترضه است؟

سؤال: جمله عمده اش «در سخاو رتی خوش ننماید» و جمله معترضه اش «که به حضور او میان دو کس رود» و معترضه اش معترضه معین کننده میباشد.

مشق ۲. شعر زیر عنوان (عید) را بخوانید و مفهوم آنرا به عبارت خود بیان کنید و هم به پرسشهای، که بعد از غزل می آید، پاسخ بگویید:

عید

سال نو گشت بد یاران کهن مژده دهید
 گشت سال نو به یاران کهن بهار آمد و باغ آمد و گل آمد و عید
 ای خوشامید و خوشا دیدن یاران کهن،
 که از ایام کهن تازه کند عهد بعید
 غرض از عید نه آن است، که از باب جلال
 جامه ناز پیو شنید به لطاف مزید
 غرض از عید بو دآن، که تو انگر پرسد
 خبر از حال فقیری، که نشسته بد نوید
 غرض از عید بو د، آن که تو انگر بخرد
 جامه آن را، که کسش کفش و کلاهی نخرید
 شادمان آن، که پیوشید به تن جامه نو
 شادمانتر، که فقیران را نوی پوشانید
 (سرمد)

پرسشها:

۱. مصرع اول بیت اول چی نوع جمله است؟
۲. بیت اول از نگاه نحو چی نوع جمله است؟
۳. در جمله های سر کب پیوست جمله های ساده توسط چی با هم ارتباط میگیرند؟
۴. در مصرع دوم بیت اول چند مبتدا و چند خبر یافته میتوانید؟
۲۱. مشتق ۲۱. شتوی زیر را بخوانید و مفهوم هر بیت آن را به عبارت خود بازگو -

نمایید و به پرسشهای، که بعد از منظوم می آید، پاسخ بنویسید:

نصیحت پدر به فرزند

کلمه ترا ای پسر هان هان

ای پسر هان هان تر اگفتم،
 عهد خود با خدای محکم دار
 چون تو عهد خدای نشکستی
 هنر آسوز، گر هنر مندی
 هر که از آموختن ندارد ننگ
 و آن که دانش نباشد شروزی
 ای بسا تیز طبع کاهل کوش،
 وی بسا کور دل، که از تعلیم
 تا جوانی و تندرستی هست
 تو، که سر سبزی جهان داری
 - که تو بیدار شو، که من خفتم -
 حتم کبر بیدار
 دل ز دیگر علاقه بی غم دار
 عهده بر من کن این و آن رستی
 در گشایی کنی، نه در بندی
 در بر آرد ز آب و لعل از سنگ
 ننگ دارد ز دانش آموزی
 که شد از کاهلی سفاک و فروش
 گشت قاضی القضاة هفت اقلیم
 آید اسباب هر مراد به دست
 ره کنون رو، که پای آن داری
 (هفت پیکر نظامی)

پرسشها:

۱. در مصرع اول بیت اول چرا کلمه های «ای پسر هان هان» با کلمه جدا شده اند؟
۲. جمله عمده و جمله معترضه در بیت مذکور کدام است؟
۳. آن معترضه هاچی نوع است و چرا؟

صنف نهم

جمله مرکب تابع دارای دو یا بیش از دو جمله معترضه
یا دو جمله پیر و

جمله مرکب تابع دارای جمله های پیر و متعدد یا معترضه چیده
یا معترضه پی در پی

جمله های مرکب تابع زیر را، که دارای جمله های پیر و متعدد یا معترضه
چیده میباشند، بخوانید و به جمله های پیر و چیده آنها، که زیر شان خط کشیده شده
است، توجه کنید:

۱. وقتی دندانهای شیر کشیده شد و ناخنهای او قطع گردید، دهقانان بیل خود را
برداشت.

۲. سال گذشته گفته بود، که امسال در همین ماه زمین خواهد لرزید و طوفان
هول انگیزی بر پا خواهد شد.

۳. آن شخص، که پیری نا توانش کرده بود و چشمهایش خوب نمیدید،
هوشنگ نام داشت.

۴. کوش، تا خلق را به کار آبی تا ز خلقت جهان بیارایی

(نظامی گنجوی)

قبلاً جمله های مرکب تابعی را خواندیم، که صرف دارای یک جمله پایه (جمله عمده)
و یک جمله پیر و (جمله معترضه) میبود.

در این صنف جمله های مرکب تابعی را مطالعه میکنیم، که دارای چند جمله پیر و
(جمله معترضه) میباشند.

این گونه جمله های مرکب تابع چهار نوع اند:

۱. جمله مرکب تابع دارای جمله های پیر و چیده (معترضه متعدد)

۲. جمله مرکب تابع دارای جمله های معترضه درجه (معترضه مرتب شارح)

۳. جمله مرکب تابع دارای جمله های معترضه متعدد و درجه

۴. جمله مرکب تابع دارای جمله های پیر و گونه گونه

۱. جمله مرکب تابع دارای جمله های پیر و چیده (معترضه متعدد) آن است، که دو
و یا بیش از دو جمله پیر و متنوع به یک جمله پایه (عمده) تابع شده باشد.

این نوع جمله های معترضه شرح دهنده تمام جمله عمده و یا یکی از اجزای آن میباشند
و به جمله عمده خود توسط عطف و ربط تابع میگردند، اما ارتباط خود جمله های
پیر و (معترضه) با یکدیگر توسط عطف و ربطهای پیوسته و یا بدون آن
صورت میگیرد. چنان که در مثالهای بالا به ترتیب زیر مشاهده میکنیم:

در جمله شماره (۱): جمله عمده آن - «دهقان بیل خود را برداشت».

جمله معترضه اول - «وقتی دندانهای شیر کشیده شد».

جمله معترضه دوم - «ناخنهای او قطع گردید» میباشند، که هر دو جمله

معترضه زمان بوده بین خود توسط عطف و ربط پیوسته «و» مرتبط گردیده

و بعد هر دو جمله معترضه توسط عطف و ربط تابع «وقتی» به جمله عمده (جمله پایه) تابع شده اند. جمله عمده آن «سال گذشته گفته بود»

در جمله شماره (۲): جمله معترضه اول «اسم سال در همین ماه زمین خواهد لرزید».

جمله معترضه دوم «طوفان هول انگیزی بر پا خواهد شد» میباشد، که هر دو جمله معترضه با هم توسط عطف و ربط پیوسته کننده «و» در ربط گردیده و بعد هر دو جمله معترضه توسط عطف و ربط تابع کننده «که» به جمله عمده

تابع شده اند. جمله عمده آن - «آن شخص صدف نام داشت»

در جمله شماره (۳): جمله معترضه اول - «پیری ناتوانش کرده بود»

جمله معترضه دوم - «چشمهایش خوب نم دید» میباشد.

در جمله شماره (۴): جمله عمده آن - «کوش»

جمله معترضه اول آن - «خلق را به کار آبی»

جمله معترضه دوم آن - «تاز خلق جهان بیارایی» میباشد، که

هر دو جمله معترضه توسط عطف و ربط تابع کننده «تا» به جمله عمده تابع شده اند.

مشق ۱. جمله های مرکب تابع زیر را، که دارای جمله های پیروچیده (معترضه

متعدد) میباشد، بخوانید و رونویس کنید و زیر معترضه های متعدد

هر جمله خط بکشید:

۱. همین که شب پخته میشود همه میخوابیدند، آهسته از خانه بیرون می رفتیم

۲. پدر، که ناامیدانه به او چشم دوخته بود و لبانش تکان می خورد

و دستش را به حالت تضرع آمیز به سوی او دراز کرده بود، به روی برفها

به دنبال خود کشیدند.

۳. در آن زمان، که زبان دری از پرده خفا بیرون آمده و جلوه فروخت

و زبان عربی از سریر نفوذ خود افتید، میدان برای درین بانان صاف شد.

مشق ۲. جمله های مرکب تابع زیر را که هر یک آن دارای جمله های پیروچیده

(معترضه متعدد) میباشد، بخوانید و رونویس کنید. بعد زیر جمله های پیروچیده

(معترضه متعدد) آنها خط بکشید، آنها را تحلیل کنید و نوع معترضه شان را بگویید:

۱. وقت آن رسیده است، که شاخه های سنگین و پر بار درختان خود را

سبک کنند و باغبانان میوه های پاییزی را به بازار ببرند.

۲. اکنون، که خورشید زودتر غروب میکند و روزها کوتاه میشود،

پاییز آمده است.

۳. برای آن که کارهای صنف درست انجام گیرد و نظم و ترتیب رعایت

گردد، شاگردان در هر صنف یک نماینده به سطر خود انتخاب میکنند.

مشق ۳. بعد از خواندن و نوشتن جمله های مرکب تابع دارای جمله

های معترضه متعدد زیرین جمله عمده (جمله پایه) و جمله های پیرو (معترضه متعدد)

یک از جمله ها را مشخص کنید و بعد بگویید، که جمله های پیرو هر یک از جمله ها

توسط چی به جمله های عمده شان تابع شده اند:

۱. معلم ، پس از این که شاگردان آرام و بی صدا بر جای خود قرار گرفتند و حضری گرفته شد ، چنین گفت :

۲. يك روز شنیدم ، که پدرش به سفر رفته و او تنها مانده است.

۳. به او خبر داد ، که معلم آمده و درس شروع گردیده است .

مشق ۴. جمله های مرکب تابع دارای جمله های معترضه متعدد زیر را بخوانید و رونویس کنید و بعد بگویید ، که جمله های پیرو آنها بین خود توسط چی مرتبط گردیده اند و جمله عمده هر یک از آن جمله ها کدامها اند .
۱. آن دختر ، که به بام بر آمده و چشمانش به ماه نو خیره شده بود ، دختر

دهقان است.

۲. سن میخو استم ، که زود تر به خانه برسم ، مادرم سرا زودتر بیند

و خاطرش زود تر جمع گردد .

۳. وقتی که نامه رسان دروازه را زد و دخترک نامه را گرفت ، من متوجه

ناهید بودم .

مشق ۵. جمله های مرکب تابع زیرین را ، که دارای جمله های معترضه

متعدد میباشد ، بخوانید و رونویس کنید و بعد بگویید ، کس جمله های

معترضه آن چی گونه شرح دهنده جمله های عمده خود شده اند :

۱. انسانهای اولی نمیدانستند ، که زمین به دور آفتاب میچرخد و آفتاب ساکن است.

۲. همین که تیر از کمان رها شد و پرنده گکک نقش زمین گردید ، صیاد بر

گشت ، .

۳. نمیدانم ، که ترا کتور برای چیست و مردم از آن چی استفاده میکنند؟

مثال : چون جمله های معترضه شماره (۱) جمله های معترضه پر کنند

میباشند ، از آن سبب خبر جمله عمده را ، که « نمیدانستند » میباشد ، شرح می دهد

یعنی نمیدانستند چی را؟ پاسخ : که « زمین به دور آفتاب میچرخد و آفتاب ساکن است .

مشق ۶. جمله های مرکب تابع زیر را که دارای جمله های معترضه متعدد

یا جمله های پیرو پی میباشد ، بخوانید و رونویس کنید و بعد به تمام جمله های

عمده و یا خبر آنها سوال بگذارید و جمله های معترضه شان را پاسخ آن ها قرار دهید :

۱. حالی دانستم ، که باران چی فایده دارد و زمین از آن چی بهره میگیرد .

۲. پس از آن که بچه ها نان خوردند و وقت فرارسید ، مادر کلان شروع

کرد به افسانه گفتن .

۳. دختر سبجو رشد ، که در خانه بماند و مادرش به جای او کار کند .

۴. وقتی که باد ملایمی میوزید و باران دانه - دانه می آمد ، ما به باغ رفتیم .

۵. ثریا گد یگکی خرید ، که طفلش با او بازی کند و وقتش خوش بگذرد .

مثال اول : دانستم . چی را؟ پاسخ : که باران چی فایده دارد و زمین

از آن چی بهره میگیرد .

مثال دوم : چی وقت ما در کلان شروع کرد به افسانه گفتن ؟ پاسخ : پس

از آن که بچه ها نان خوردند و وقت خواب فرارسید .

جمله مرکب تابع داری جمله پیرو درجه

یا معترضه مرتب شارح

جمله های مرکب تابع زیر را ، که دارای جمله های معترضه مرتب شارح یا جمله های پیرو درجه میباشد ، بخوانید و به جمله های ، که زیرشان خط کشیده شده است ، توجه کنید :

۱. سن در سایه روشنی شام به سختی تشخیص دادم ، که قطرات اشک است ، که بر صورت چرخش سرازیر شده .

۲. گویند ، که در همین زمان شخصی در آن دیار خواب دید ، که بر قلعه بلند و خشک و در شتی نشسته ، دور نمای گرد آلود و مغشوشی را تماشا میکند .

۳. افکار او ستوجه فر دابود ، که بته هایش رابه شهر سیبر د ، تا آن را بفروشد و پول برای آرد و روغن به دست آرد .

۴. بکشید ، تا در زنده گی دوستان خوب داشته باشید ، زیرا دوستان خوب در هر حالت مخصوصاً در حالت پریشانی و تنگدستی به دردی بخورد .



جمله مرکب تابع دارای جمله معترضه مرتب شارح آن است ، که در آن جمله های معترضه به ترتیب به همدیگر تابع میشوند ، یعنی به این صورت ، که جمله معترضه اول جمله عمده را جمله معترضه دوم جمله معترضه اول را و جمله معترضه سوم جمله معترضه دوم و غیره را شرح و توضیح میکند . چنانکه در مثال اول :

«سن در سایه روشنی شام به سختی تشخیص دادم» جمله عمده .

«که قطرات اشک است» جمله معترضه اول

«که بر صورت چرخش سرازیر شده» جمله معترضه دوم میباشد ، که جمله پیرو اول جمله عمده پیرو دوم جمله پیرو اولی را شرح و توضیح داده است . در مثال دوم : «گویند» جمله عمده .

«که در همین زمان شخصی در آن دیار در خواب دید» جمله معترضه اول «که بر قلعه بلند و خشک و در شتی نشسته و نمای گرد آلود و مغشوشی را تماشا میکند» جمله معترضه دوم میباشد ، که به ترتیب یکی دیگری خود را شرح و توضیح داده است . در مثال سوم : «افکار او ستوجه فر دابود» جمله عمده «بته هایش رابه شهر سیبر د» جمله معترضه اول «تا آن را بفروشد و پول برای آرد و روغن به دست آرد» جمله معترضه دوم میباشد ، که به ترتیب یکدیگر را شرح و توضیح کرده اند .

مشق ۷ . شعر زیر را بخوانید نیرو مفهوم آن را به عبارت خود بنویسید ، بعد معترضه هایی را ، که در جمله های مرکب تابع به کار برده اید ، توضیح کنید :

گفتار اندر صفت کمال انسان

۲. معلوم بود، که هنوز هم برگها سبز مانده بود دند، زیر اسرما هنوز شدت نکرده بود.

۳. یک روز آواز هشد، که دسته بی از فوتبالبازان خارج می آیند، تا مسابقه

های را در کشور ما انجام دهند.

۹. مشتق جمله های زیر را بخوانید و رو یس کنید، بعد جمله های پیرو درجه

آنهارا جدا جدا بنویسید و بگویند، که چطور آنها یکی دیگر خود را شرح و توضیح کرده اند:

۱. خبر شدم، که فریده از شفا خانه خارج شده است، چرا که صحبتش به کلی

خوب شده بود.

۲. آن گاه، که رستم به خوی آب رفته بود، اژدهای نمو دار شد، که میخروشید

و نعره میزد.

۳. کار اصلی آموزش و پرورش این است، که بین افراد جامعه روابط

انسانی بر پایه فرهنگ و کلتور برقرار نماید، تا از این رهگذر موارث اجتماعی را از نسل کهنه به نسل نو منتقل سازد.

۱۰. مشتق متن زیر را بخوانید، جمله های مرکب تابع آن را جدا - جدا بنویسید

و بعد جمله های عمده و جمله های معترضه آنها را مشخص کنید:

تابستان در ده

روزهای آخرین تابستان بود. بیچه ها در زیر سایه درختان باغ گرد هم جمع

شده بودند و ساعتی میگردیدند. هر یک از آنان تعریف میکرد، که تا تابستان را

درخت است این جهان و سیوه ساییم،

دگر هستند بر گش و ماهمه بسر،

شرف دار درخت از سیوه آری،

ز بوی و لذت خوش سیوه ها را

نیابد سرد جا هل در جهان کام،

نشو چون سیوه های نار سیده،

سقط باشد در این باغ آنچه خاستند،

درختی بس شگرف و سیوه دار است،

هر آن سیوه، که نبو دطعم و بویش،

ترا لذت ز علمست، از عمل بوی،

چو خواهی، تا که یابی دانش و هوش،

سکن پناه حکیمان را فرا سوش.

(ناصر خسرو)

۸. مشتق جمله های مرکب تابع دارای جمله های پیرو درجه زیر را بخوانید

و رو نویس کنید و زیر جمله های پیرو درجه یا سرته

شارح آنها دو خط بکشید:

۱. نزد پدرم شاگردی کردم، تا حرفه او را بیاموزم، که در آینده به دردم بخورد.

چگونه گذرانده است . جمشید گفت : مابه استالف رفته بودیم ، آن جا خوش گذشت . چیزهایی در آن جا دیدم ، که هرگز در شهر نمیشود دیده . هم تفریح کردم و هم خیلی چیزها یاد گرفتم .
دوستانش از او خواستند ، که از چیزهای ، که در استالف دیده بود ، برای شان تعریف کند .

جمشید گفت :

- بچه ها ، پیش از هر چیز این را باید بدانید ، که تاستان برای مردم در خیلی عزیز است ، چرا که در این فصل محصول کار خود را به دست می آرند . در ده زنان و کوه دکان پایه پای سردان کار میکنند . همه بیکو شدند ، که حاصل زحمت شان زودتر و بهتر جمع گردد ، تا از آن استفاده خوبی بتوانند .
وقتی که تر بوزها را بیچینند و در یک جا جمع میکنند ، تپه سبز قشنگی به وجود می آید ، که نمیشود از آن بالا رفت ، اما بچه ها ، خرسند از چیزهای دیگر آن دیدن است .

در این موقع صدای مادر جمشید شنیده شد :

- بچه ها زود دستهای تان را بشوید ، که غذا سرد نشود .

شوق ۱۱ . شعر زیر را بخوانید و مفهومی را ، که از آن حاصل میکنید ، در

جمله های جداگانه بنویسید ، البته در جمله های مرکب تابع ، که دارای جمله های معترضه پیرو درجه باشند :

بخور تا تو انی به بازوی خویش ، که سعیت بود در ترازی خویش
بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن ، که دستم بگیر
(سعدی)

شوق ۱۲ . جمله های مرکب تابع زیر را ، که دارای جمله های پیرو درجه میباشد ، بخوانید و رو نویس کنید . بعد فرق آن را با جمله مرکب تابع ، که دارای جمله های معترضه متعدد باشند توضیح کنید :

۱ . خاورشناسان در مقدمه می ، که به زبان انگلیسی نگاشته اند ، بنویسند ، که بدر این بلخی بستوفی بوده است .

۲ . نیازمند آنیم ، که از شکوه و غنای تاریخی خود الهام بگیریم ، زیرا که در آستانه تحولی هستیم .

۳ . سوسن ، وقتی که بیرون آمد ، برادرش را دید ، که با دستگلی به طرفش می آید .

جمله های مرکب تابع دارای جمله های معترضه مرتب
شارح و معترضه متعدد

جمله های مرکب تابع دارای جمله های معترضه مرتب شارح و معترضه متعدد
زیر را بخوانید ، رو نویس کنید و به جمله های آن ، که زیرشان دو خط کشیده شده و به جمله های معترضه ، که زیرشان یک خط کشیده شده است ، توجه کنید :

۱. روزها کار میکرد و زحمت میکشید و نانی را ، که از راه حمل و باربری

به دست می آورد ، بازنش ، که ده سال از عروسی او میگذشت ، اسما

فرزندی برای شوهرش نیاورده بود ، به خوشی و شادمانی صرف ننمود.

۲. کسی ، که به قدر رد و پای خود ، کسه بر آن میایستد ،

زمین ندارد ، به قدر جسم خود ، کسه دراز میکشد ، سرپناه دارد ،

نیمسال نیمشکم میگذراند و نیم دیگر سال را با خوردن گیاه سپری میکند ،

از آغاز تا انجام عمر کمتر از دوسه پیراهن و زیرجامه کرباسی و یا نخ را

به گردن میاندازد ، سکر و بهای مختلف چشم ، گوش ، بینی ، روده و معده او را پوشانیده

صابون و دواران میشناسد ، سلاک و سلاکزاده زن و دختر و بچه او را اسیر اراده خود

دانسته و همه را در خدمت خانواده خویشتن و داشته و در بدل قرض و سود

و سلم از او ستانیده و خود را بعد از کار طاقتفرسا در زمین پیش - پیش جلواسپ

را هر و خود پیاپی ده دوانده است ، چپ زنده گی میتواند داشته باشد .

(غلام حضرت کوشان)

۳. یقین است ، شاعری ، که در شبهای تاریک توسط با ننگ قلم خویش

معانی خفته را بیدار میسازد ، صورتگری ، که تخیلات تلخ و شیرین

خویش را در حریر رنگهای فریبا میبچشد و بر صحیفه تابلوهای بدیع نقش میکند ،

خوشنویسی ، که تموجات زودگذر اصوات سخن آدیمزاده را با دقت و

ظرافت ثبت میکند و تصویرا ندیشه هارا جاودان میسازد ، آهنگسازی ،

که خوابها و خیالهای روحناز خویش را در پرده آوازه های دلنشین میگذارد

و با ترکیب آهنگهای مهیج ذوقهای پرشور را تسکین میدهد ، مثلثی ، که

سر و روال باطنی خویش را با حرکات مناسب و موزون در انتظار بیننده گان جلوه گر

میسازد ، مفکری ، که کتاب پر اسرار کاینات را به دقت مطالعه میکند و بر هر ورقی

دفتر از معرفت کردگار را مستجلی مییابد ، محقق ، که در خفایای کتابها و زوایای

آزمایشگاهها عمر خود را به مشاهده و تجربه به بیان میرساند ، هیچ یک از

این طرایف توقع آن را نمیدارد ، که در باغ حیاتش گل دانش و نرگس خواسته

هر دو یکجا بشگفتند (الهام)

جمله مرکب تابع دارای جمله معترضه متعدد و مرتب شارح نوعی از جمله های مرکب است، که در آنها جمله های معترضه به صورت متعدد آمده در حالی که هر یک از آن جمله های معترضه قسمتی از جمله عمده را شرح داده جمله معترضه دیگری به خود میگیرد و جمله معترضه مرتب شارح را تشکیل میدهد.

در مثال شماره (۱) جمله عمده اش «روزها کار میکرد و زحمت میکشید و نا را باز نش به خوشی و شادمانی صرف مینمود» - جمله معترضه او لش «از راه حمل و باربری به دست سی آورد» - جمله معترضه دومش «که ده سال از عروسیش میگذشت» - جمله معترضه سومش «اما فرزندی بر ای شوهرش نیاورد» میباشد.

طوری که دیده میشود، هر سه جمله معترضه فوق اجزای مختلف جمله عمده را شرح میدهند.

جمله های معترضه دوم و سوم به صورت متعدد آمده پرکننده با واسطه جمله عمده (بازنش) - را شرح و توضیح میدهد. اما جمله معترضه اول پرکننده بیواسطه جمله عمده (نانی) - را شرح و توضیح میکند.

در مثال دوم: جمله عمده اش - «کسی چی زنده گی میتواند داشته باشد»

جمله معترضه اول - «که به قدر دو پای خود زمین ندارد»

جمله معترضه دوم - «به قدر جسم خود سر پناه ندارد»

جمله معترضه سوم - «نیم سال نیمشکم میگذراند و نیم سال را با خود ردن گیاه - سپری میکند» جمله معترضه چهارم «از آغای تا انجام عمر کمتر از دو سه پیراهن

و زیر جامه کر باسی و یا نخ را به گردن میاندازد» جمله معترضه پنجم «میکرد» - بهای مختلف چشم، گوش، بینی، روده و معده او را پوشانیده» جمله معترضه ششم «صابون و دوا را نمیشناسد» جمله معترضه هفتم «ملاک و ملاکزاده زن، دختر و بچه او را اسیر کرده خود دانسته و همه را در خدمت خانوادۀ خویشتن و داشته و در بدل قرض و سود و سلم از او ستانیده و خودش را بعد از کار طاقتفرسا در زمین پیش - پیش جلو اسپ و اهر و خود پیاده دو انده است».

معترضه های بالا همه به صورت جمله های معترضه متعدد آمده است. اما جمله های معترضه اول و دوم در نوبت خود باز هم جمله معترضه دیگری به خود گرفته اند، که جمله معترضه اول (بر آن میایستد) و جمله معترضه دوم (در از میگذرد) میباشد.

در مثال سوم: به استثنای جمله «یقین است»، که جمله عمده میباشد، متباقی جمله ها تماماً جمله های معترضه میباشد به ترتیب زیر:

جمله معترضه اول - «شاعری، صورتگری، خوشنویسی، آهنگسازی، مسمالی، سفکری، محققى هیچ از این طوایف توقع آن را نمیدارد»

جمله معترضه دوم - «که در باغ حیاتش گل دانش و نورگس خواسته هر دو یکجا بشکفند» میباشد. جمله معترضه اول جمله عمده را و جمله معترضه دوم جمله معترضه اول را توضیح داده جمله مرکب تسامع مرتب شارح تشکیل داده است. اما در جمله معترضه اول مبتدا (شاعری، صورتگری، خوشنویسی،

آهنگسازی، سمنلی، سفکری، به صورت متعدد آمده و رنو بت خود هر یک بر ای شان جمله
سعر ضه سعین کننده گرفته است، که اینک تذکر مییابند :

جمله سعتر ضه سوم - « که در شبهای تار تو سببانگ قلم خویش معانی خفته را -
بیدار میسازد .

جمله سعتر ضه چهارم - « که تخیلات تلخ و شیرین خویش را در حریر نگهای
فریباییچد و بر صحایف تابلوی بدیع نقش میکند . »

جمله سعتر ضه پنجم - « که تموجات زو دگذر اصوات سخن آدمیزاده را با دقت و
ظرافت ثبت میکند و تصویر اندیشه ها را جاودان میسازد . »

جمله سعتر ضه ششم - « که خوابها و خیالهای ر و حناز خویش را در پرده آوازهای
دلنشین بیگذارد و با ترکیب آهنگهای مهیج ذوقهای پرشور را تسکین میدهد . »

جمله سعتر ضه هفتم - « که سرور و الم باطنی خویش را با حرکات مناسب و مو -
زون در انظار بیننده گان جلوه گر میسازد . »

جمله سعتر ضه هشتم - « که کتاب پر اسرار کاینات را به دقت مطالعه میکند و بر
هر ورقی دفتری از معرفتی کردگار را استجلی مییابد . »

جمله سعتر ضه نهم - « که در خفایای کتابها و زوایای آزمایشگاهها عمر خود
را به شاهده و تجربه به پایان میرساند . »

همچنان که در جمله سعتر ضه اول ابتدا به صورت متعدد آمده است، جمله های -
سعر ضه سعین کننده نیز متعدد آمده، با جمله مرتب شارح یکجا شده جمله مرتب تابع
دارای جمله سعتر ضه متعدد مرتب شارح را تشکیل داده است .

مشقی ۱۳ . جمله های مرتب تابع دارای جمله های معترضه مرتب شارح و
معترضه متعدد در ابخو انید و رو نویس کنید . بعد جمله عمده و جمله های معترضه
مرتب شارح و متعدد آنها را مثل مثالهای بالامین و مشخص کنید :

۱ . سالها تحصیل کرد و علم آموخت و معلوماتی را ، که از اثر زحمتکشی و
آموختن اندوخته بود ، به یگانه فرزندش ، که چون جان دوستش میداشت ، ولی او
آگاه نبود ، میآموخت .

۲ . ادعا دار ند ، شاخه گلی ، که با اهتزاز خود دماغ را معطر میسازد ، فاخته بی ، که
با آواز شیرینش روح را نوازش میدهد ، آبشاری ، که با آهنگهای مهیج
خود سامعه را تسکین میدهد ، هر یک از این نوازشگران مینازند ، که خاطری را خوش
ساخته اند .

۳ . نویسنده بی ، که میخواهد در هرز سینه بی ، که به آن زیاد تر علاقه مند است ،
چیزی بنویسد ، در هر مجموعه بی ، که گرد می آورد ، مقاله های به امضای او
نشر بیابد ، و چاره را در آن ببیند ، که شب و روز کار نماید .

مشقی ۱۴ . متن زیر را بخوانید ، مفهوم آن را آیه عبارت خود بنویسید و
نوعیت معترضه های را ، که در جمله های مرتب تابع به کار برده اید ، توضیح
دهید :

سروت و مردانه گی

آورده اند ، که در کرمان سلکی بود به غایت سخی و مهماندوست . پیوسته در
سهمانخانه او گشاده بود و خوان احسان او برای خاص و عام نهاده . هر که به شهر
او آمدی ، بر سفره او نان خوردی و تادرا آن شهر بودی و وظیفه چاشت و راتبه شام

از ضیافتخانه وی بردی. وقتی عضدالدوله لشکر کشید و قصد تسخیر او کرد مسلک
طاقت حرب او نداشت، به حصار در آمد. هر روز لشکر عضدالدوله به در حصار آمد
ندی و جنگ سخت کردندی و هر شب سلاک کرمان مقدار طعام، که لشکر عضدالدوله
را کفایت بودی، فرستادی. عضدالدوله پیغام داد، که روز حرب کردن و شر
نازه ادن چی معنی دارد؟ جواب فرستاد، که جنگ نمودن اظهار سردیست و
نانه ادن و طیفه سردی. ایشان اگر چه دشمن اند، اما غریب شهر و ولایت مند.
عضدالدوله بگریست و گفت: «کسی را، که چندین سروت باشد، باوی حرب

کردن از بیم و ترس است.» لشکر باز گردانید و تعرض وی نکرد.
مردی در محلی موسس دسکی
بیت صدای سار کرد که
کز سروت زیان نکرد کسی.
سردی کن به جای دشمن و دوست،
(اخلاق محسنی)

جمله سر کب تابع دارای جمله معترضه گونه گونه

جمله های سر کب تابع دارای جمله های معترضه گونه گونه زیر را بخوانید.
رو نویس کنید و به جمله های عمده آنها، که زیرشان خطر است و به جمله های
معترضه، که زیرشان خطفاصله دار کشیده شده است، توجه کنید:

۱. در همان روز دیک غروب، در حالی که آفتاب بالهایش را از گوشه و کنار
زمین جمع میکرد و راهی سفر مغرب بود، شاکر حسین یکی از همراهان علیادشتابان
به خانه پیر زن میرفت، تا که حکایت سفر بسیر انجام شان را به پیر زن بگوید.

۲. دانشی، که سو دندهد، گنجیست، که از آن خرج نکنند. (ضرب المثل)

۳. در حالی که سرم را به شیشه مو تر چسبانده بودم، شنیدم، که یکی از دو نفر پشت

سرم گفت.

جمله سر کب تابعی، که جمله های معترضه گونه گونه نش جمله عمده و یا یکی از
اجزای آن را شرح و توضیح دهد، جمله سر کب تابع دارای جمله معترضه گونه گونه
نامیده میشود. چنان که در مثال اول «در همان روز دیک غروب شاکر حسین
یکی از همراهان علیادشتابان به خانه پیر زن میرفت» جمله عمده «در حالی که آفتاب
بالهایش را از گوشه و کنار زمین جمع میکرد و راهی سفر مغرب بود» جمله معترضه
چگونگی - «تا که حکایت سفر بسیر انجام شان را به پیر زن بگوید» جمله معتر
ضه مقصود میباشد، که جمله عمده را از نگاه چگونگی و مقصد شرح داده اند.

در مثال دوم «دانش گنجیست» جمله عمده «که سو دندهد» جمله معترضه معین
کننده «که از آن خرج نکنند» جمله معترضه نتیجه میباشد. معترضه اول اسم جمله
عمده (دانش) - را، که مبداء واقع شده است و معترضه دوم نتیجه جمله عمده را شرح
و توضیح داده است.

در مثال سوم «شنیدم» جمله عمده «در حالی که سرم را به شیشه مو تر چسبان
نده بودم» جمله معترضه چگونگی - «یکی از دو نفر پشت سرم گفت» جمله معترضه
پر کننده میباشد. معترضه اول چگونگی جمله عمده و معترضه دوم خبر جمله عمده را
شرح و توضیح داده است.

مشق ۱۵ - جمله های سر کب تابع دارای جمله های معترضه گو نه گوی
را بخوانید و رو نویس کنید . بعد زیر جمله عمده آنها خط راست و زیر
جمله های معترضه شان خط فاصله دار بکشید :

۱ . شکوفه های ، که بر نهال هنر جوان کشور سیر وید ، اگر بویدنی باشد
دید نیست ، چرا که شکوفه های این نهال اکنون سر به بالنده گی دارد .
۲ . امروز ، با آن که قربان دیر کرده بود ، ز نش عقب دروازه منتظر او نبود
زیرا بیمار بود .

۳ . وقتی دروازه خانه را باز نمود ، دید ، که دو نفر نشسته و به جانب او
سنگرند .

مشق ۱۶ - جمله های سر کب تابع دارای جمله های معترضه گو نه گوی
را بخوانید ، رو نویس کنید و بعد از تشخیص جمله عمده و جمله های معترضه آنها
چگونه گی جمله های معترضه را معین کنید :

۱ . از در نخست ، که گذشتم ، چشمم به چهره سر دخادسی ، که در دستش آسپنج
و زبانش شغول تکرار او را دبود ، افتاد .

۲ . چون خوردن سیوه تازه ناشسته سر یضی باری آورد ، از شما خواهش
سیرود ، تا آن را شسته بخورید .

۳ . همین که در لحظه های کوچ از خویشتن به خویشتن شجر او را به خواندن
سینشینی ، چنین سه نظرت سی آید ، که طلوع خورشید را به زمین سینینی .

مشق ۱۷ . جمله های سر کب تابع دارای جمله های معترضه گوناگون زیر
بسخوانید و رو نویس کنید بسعد بگویند ، که جمله های معترضه
جمله های عمده مربوط خود را از کدام نگاه شرح و توضیح کرده اند :

۱ . چون سخن گفتن در بهتر صحبت کردن شاگردان بسیار تأثیر دارد ،
آوزگاران باید از نو آوزان بخواهند ، که درباره مشاهدات روزانه
خود صحبت کنند .

۲ . شاگردی ، که مطالعه میکند و در زمینه های مختلف معلوماتی به دست
سی آورد ، میتواند خوبتر صحبت کند ، زیرا اندوخته هایش به او یاری میدهد .
۳ . به تو گفتم ، که به قشلاق میروم ، تا او را بینم .

مشق ۱۸ . متن زیر را بخوانید ، رو نویس کنید و بعد جمله های سر کب
تابع آن را جدا - جدا بنویسید و چگونه گی جمله های معترضه شان را معین کنید :

کارکرد و رواندیش

کارگری بود ، که همواره سیاند بشید ، که چگونه کار کند ، تا بهتر
بتواند آسایش فرزندان را فراهم کند . از خود پرسید ، که مناسبترین
زمان برای آغاز کردن کاری چی هنگام است . با خود گفت ، که باید نخست
پروگراسی ، که بتواند کارش را منظم کند ، ترتیب دهد ، تا هر کاری به
وقوع انجام پذیرد . بعد تصمیم گرفت ، که از سرگرسبهای بیجا بپرهیزد ، تا
فرصت بیشتری به یاریش رسیده باشد .

مشق ۱۹ . تصور کنید ، در فصل بهار هنگام غروب بر تپه بی نشسته اید و

وادی سرسبزی را تماشا میکنید ، اکنون مشاهده های خود را در جمله های جداگانه بنویسید ، البته در جمله های مرکب تابع ، که دارای جمله های معترضه گونه گون باشند .

مشق . ۲ . شعر زیر را بخوانید و مفهوم آن را به عبارت خود بنویسید :

کوشش کنید ، جمله های تان جمله های مرکب تابع باشد :

تربیت فرزندان

پسر چون زده بر گذشتش سنین ، زنا بچرمان گو فراتر نشین .
 بر پنبه آتش نشاید فروخت ، که تا چشم بر هم زنی خانه سوخت .
 چو خواهی که ناست بداند به جای ، پسر را خرد سندی آسوز و رای .
 که گر عقل و رایش نباشد بسی ، بمیری و از تو نماند کسی .
 بسا روزگارا که سختی برد ، پسر چون پسر نازکش پرورد .
 خرد سندی پر هیز گارش برآر ، گرش دوست داری به نازش مدار .
 بیا سوز پرورده راد سترنج ، اگر دست داری چو قارون به گنج .
 به پایان رسد کیسه سیم و زر ، نگر دد تهی کیسه پیشه ور .
 چو بر پیشه یی باشدش دسترس ، کجاست حاجت برد پیش کس .
 ندانی ، که سعدی سراد از چی یافت ، نه ها سون نوست و نه در یاشگافت .

مشق
۲

مورد

به خوردی بخورد از بزگان قفا ، خدا دادش اندر بزرگی صفا
 هر آن کس ، که گردن به فرمان نهد ، بسی بر نیاید ، که فرمان دهد .
 پسر را نکودار و راحت رسان ، که چشمش نماند به دست کسان .
 نگه دار از آسوزگار بدش ، که بدبخت گمراه کند چون خودش .

(سعدی)

جمله مرکب آمیخته (مختلط)

جمله های مرکب تابع آمیخته (مختلط) زیر را بخوانید و به آنها خوب

توجه شوید :

- ۱ . امروز قر بان قدری پریشان بود ، چیزی در اندیشه خود داشت و آن این بود ، که کاری پیدا کند و چند افغانی به دست آورد .
- ۲ . ناگهان آن شال زرد رنگ ، که خطهای خرمایی داشت ، پیش چشم من جسم شد و یک چهره مهتابی با لبخند مهر بانی شروع کرد به درخشیدن .
- ۳ . من ، که بیخوابم ، نمیتوانم درس بخوانم و او ، که میتواند ، نمیخواهد .

جمله مرکب آمیخته یا جمله مرکب مختلط جمله یی را گویند ، که از جمله مرکب پیوست و جمله مرکب تابع ترکیب شده باشد .

$$\boxed{\text{جمله مرکب پیوست}} + \boxed{\text{جمله مرکب تابع}} = \boxed{\text{جمله مرکب آمیخته}}$$

در جمله مرکب آمیخته یا مختلط تمام جمله های ساده مرکب پیوست و یا یکی از آنها به خود جمله معترضه میگیرد . مثلاً :

در مثال اول - جمله ساده اول آن « اسرو زقربان قدری پریشان بود » جمله ساده دوم آن « چیزی در اندیشه خود داشت » و جمله ساده سومش « آن این بود » میباشند، که هر سه آن جمله مرکب پیوست را تشکیل داده اند.

جمله ساده سوم « آن این بود » جمله معترضه « که کاری پیدا کند و چند افغانی به دست آورد » را به خود گرفته جمله مرکب تابع ساخته است، که از یکجا شدن هر دوی آن یعنی جمله مرکب پیوست و جمله مرکب تابع جمله مرکب مختلط به وجود آمده است.

جمله مرکب پیوست + جمله مرکب تابع = جمله مرکب آمیخته

اسرو زقربان قدری پریشان بود، چیزی در اندیشه خود داشت و آن این بود.	و آن این بود، که کاری پیدا کند و چند افغانی به دست آورد.	اسرو زقربان قدری پریشان بود، چیزی در اندیشه خود داشت و آن این بود، که کاری پیدا کند و چند افغانی به دست آورد.
--	--	---

در مثال دوم جمله مرکب پیوست آن « ناگهان آن شال زرد رنگ پیش چشمم مجسم شد و یک چهره سهتا بی با لبخند سهر با نی شروع کرد به درخشیدن » و جمله مرکب تابع آن « ناگهان آن شال زرد رنگ » که خط های خرمایی داشت، پیش چشمم مجسم شد » میباشد، که هر دو یکجا شده جمله مرکب آمیخته را تشکیل داده اند.

در مثال سوم جمله های ساده « من نمیتوانم درس بخوانم »، « او نمیخواهد » توسط عطف و ربط (و) جمله مرکب پیوست را تشکیل داده اند.

در عین زمان هر دو جمله ساده جمله معترضه گرفته، جمله مرکب تابع را به وجود آورده اند، که بعد به صورت یکجا بی جمله مرکب آمیخته را تشکیل داده اند. برای خوبتر روشن شدن موضوع اینک مثال بالا به صورت د با گرام نشان داده میشود:

جمله مرکب پیوست	جمله مرکب تابع اول	جمله مرکب تابع دوم	جمله مرکب آمیخته
من نمیتوانم درس بخوانم و او نمیتواند.	من، که میخواهم، نمیتوانم درس بخوانم.	او، که میتواند، نمیخواهد.	من، که نمیتوانم درس بخوانم و او، که نمیتواند، نمیخواهد.

- مشق ۱ - ۲ . جمله های مرکب تابع مختلط یا آمیخته زیر را بخوانید و رونویس کنید، بعد جمله مرکب پیوست و جمله مرکب تابع آنها را مشخص و توضیح کنید:
۱. فرید شعرهای کود کانه میسرود، ولی فکر نکنید، که شعرش کود کانه است.
 ۲. شبها، که همه میخواهید ایمانند، من بیدار میمانم و ما درم رنج میبرد.
 ۳. پارسال برف زیاد بارید و آن سبب شد، که حاصلات زیاد گردد.

۳. وقتی که من آمدم، پدرم خواب بود، ولی مادرم بیدار، زیرا انتظار مرا می کشید.
سؤال «پارسال برف زیاد بارید و آن سبب شد» جمله مرکب پیوست.

جمله مرکب پیوست	جمله مرکب تابع
پارسال برف زیاد بارید و آن سبب شد	آن سبب شد، که حاصلات زیاد گردد.

«و آن سبب شد، که حاصلات زیاد گردد» جمله مرکب تابع.

مشقی ۲۲. جمله های مرکب تابع مختلط یا آمیخته زیر را بخوانید و رونویس کنید، بعد جمله مرکب پیوست و جمله مرکب تابع و جمله مختلط آنها را روی دیوارام نشان دهید:

۱. فرید، که میخورد با مردم کمک کند، از بیچاره گی نمیتوانست، اما برادرش، که قدرت و توانایی آن را داشت، نه میخواست.

۲. در همان دو ران، که یونانیان باز بیهای المپیک را به راه میانداختند، خراسان با باستان نیز به فرزندان خود سواری و تیراندازی میآموخت و آنها سواری و چوگان بازی را ماهرانه انجام میدادند.

۳. نزد پدر حرفه نجاری را یاد گرفتیم، ولی آن کار ذوق سرا را ضعیف نمیکرد، زیرا که طبع پرشور و ذهن جوینده ای داشتم.

مشقی ۳۳. جمله های مرکب تابع مختلط زیر را بخوانید و رونویس کنید و جایهای خالی آنها را با معترضه های مناسب، که در چوکات داده شده است، پر کنید:

۱- ابرهای تیره، که..... روی آسمان را پوشانید و سرواریدهای درخشانش باغهارا سیراب کرد.

۲. چند قدسی بر داشت، اما مثل سنگین بود و مجبور شد، که.....

۳. پشتش خم شده بود و سرش میبارزید، زیرا.....

۱. پیری ناتوانش ساخته بود.
۲. رعد و برق با خود داشت.
۳. بر زمینش گذارد.

مشقی ۳۴. شعر زیر را بخوانید و به این پرسشها پاسخ نو بسید، که در بیت اول چی هنگامی از سال نشان داده شده است؟ به عقیده شاعر، که درباره طبیعت فکر نمیکند، به چی مانند میباشند؟ اگر انسان در فصل بهار به جوش و خروش آید، چرا تعجبی ندارد؟

شاعر در مقطع شعر خود چی نتیجه ای میگیرد؟

سحرگاه بهار

بامدادی، که تفاوت نکند لیل و نهار
بلبلان وقت گل آمد، که بنالند از شوق
این همه نقش عجیب برد رود یوار وجود
خبرت هست که هر غان سحر میگویند
کمی تواند که دهد سیوه رنگین از چوب
آدمیزاده اگر در طرب آید نه عجب
باد بوی سمن آو ردو گل و نرگس و بید
خوش بودی سحر از تو صد گوی
هر که فکر نکند نقش بود دیوار
آخر ای خفته سراز خواب جهالت بردار
یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار
سرو در باغ به رقص آمده و بید و چناری است
درد کان به چو رو نق بگشاید عطار

باز بوی سمن آو ردو گل و نرگس و بید
باز بوی سمن آو ردو گل و نرگس و بید
باز بوی سمن آو ردو گل و نرگس و بید
باز بوی سمن آو ردو گل و نرگس و بید

و باغ از نخل و سرسبز است
 خیری و خطمی و نیلو فروستان افروز
 نقشها بی که در او خیر همانند ابصار
 تانه تاریک بود سایه انبوه درخت
 زیر هر برگ چراغی بنهند از گلزار

نعمت بار خدا یا ز عد دیرون است
 شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار
 سعد یا راستروان گوی سعادت بردند
 راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
 تورا نشانی کنی که چه قدر است
 (سعدی)

مشق ۵ جمله های مرکب تابع مختلط زیر را بخوانید، جمله های مرکب پیوست
 و جمله های مرکب تابع آنها را جدا - جدا بنویسید و توضیح کنید:
 ۱. ما سر و ز به نوشتن روی کاغذ سعادت داریم و این جنس آن قدر آسان و ارزان
 به دست می آید، که میپنداریم همیشه چنین بوده است.
 ۲. هر بار که میایستاد، ستل تکان میخورد و آتش میریخت.
 ۳. او میگو شیدز و دتر برسد، اما پاهایش یاری نمیداد، زیر اخسته شده بود.
 ۴. روزی یکی از دوستان ادیسون دستگاهی او را دید و او را از سو راخی، که
 در آن تعبیه شده بود، به درون اسباب بازی نگریست.
 مشق ۶ متن زیر را بخوانید و جمله های مرکب تابع و پیوست آن را نشان دهید:

زیبایی طبیعت

در طبیعت مناظری وجود دارد، که نویسنده یا هنرمند دیگر هر چه بگوید
 از وصف آن عاجز میماند، چرا که به هیچ نحوی از آنها نمیتوان آن همه لطف و قشنگی
 را تعبیر کرد. هنگامیکه بر ساحل رودی میایستیم و زمزمه آسواج آن را میشنویم

و به همخوردن کفها را میبینیم، موفعی که در صحرای بی پایان، در فراز و نشیب
 تپه ها، در نور سهتاب زیبای و دلربایی طبیعت را مشاهده میکنیم، زمانی که در
 بین جنگل عظمت و شکوه جهان نا پیدا کرانه را تماشا میکنیم، آن قدر از خود میرویم،
 که روح ما اوج میگیرد.

مشق ۷ جمله های مرکب تابع مختلط زیر را بخوانید و بگویید که جمله های
 مرکب پیوست کدام یک از آنها توسط عطف و ربط خلاقی پیوست شده اند:

۱. من میخواستم به سفارش پزشک عمل کنم، اما برایم دشوار بود، که از مطالعه
 خود داری کنم.
۲. هر روز که میگذرد، بر شماره وسایل نقلیه افزوده میشود و عبور و مرور
 در جاده ها مشکلتر میگردد.
۳. پدرم آهنگری را به سن آموخت، لاکن بعد از چند سالی دل سرد شدم، زیرا کار
 بکنو ااخت بود.
۴. هر مرتبه، که باد میوزید، موهایش پریشان میشد و عطرش فضا را خوشبو
 میساخت.

جمله مرکب تابع بدون

عطف و ربط

جمله های مرکب زیر را، که هر یک آن بدون ذکر عطف و ربط به هم تابع شده اند،
 بخوانید و به آنها توجه کنید:

۱. سه روز پیش دیده بود، با پدرش سر سخن است و تهدید میکند.
۲. از خود سیپر سیدم، چر اس دم هر چیز را برای خود میخواهند.
۳. دید، خیلی دیر شده است.
۴. تنبل را کارگفتی، نصیحت پدرانه میکند. (ضرب المثل)

برخی از جمله‌های مرکب تابع بدون عطف و ربط می‌آیند، که در این صورت مشخص کردن جمله معترضه در آنها یک اندازه مشکل می‌باشد، ولی با آن هم از جمله عمده، مضمون جمله معترضه و سو الگذاری به آن میتوان جمله معترضه را مشخص کرد.

چنان که در مثالهای بالا دیده میشود، عطف و ربط تابع کننده به کار برده نشده است، ولی از جمله عمده مضمون جمله معترضه و سو الگذاری به آن میتوانیم به آسانی جمله معترضه آنها را تشخیص دهیم. مثلاً در جمله‌های بالا «سه روز پیش دیده بود»، از خود سیپر سیدم، دید، نصیحت پدرانه میکند» جمله‌های عمده و متباقی آنها جمله‌های معترضه میباشند به ترتیب زیر:

از خود سیپر سیدم. چی را؟ جواب: چر اس دم هر چیز را برای خود میخواهند. هند. (معترضه پرکننده.)

سه روز پیش دیده بود. چی را؟ جواب: با پدرش سر سخن است و تهدید میکند. (معترضه پرکننده.)

مشق ۸. جمله‌های مرکب تابع زیر را که بدون عطف و ربط تابع کننده میباشند،

بخوانید و رو نویس کنید، بعد جمله‌های عمده و جمله‌های معترضه آنها را جدا

- جدا مشخص نمایید:
۱. او تنها میتوانست، در باره عالم در باره انسان و اسرار زنده گی بیندیشد.
 ۲. پزشکان و وظیفه دارند، به خدمت مر یضان بشتابند.
 ۳. او میدانست، درست نیمه شب پدرش میخواهد.
 ۴. اندیشید، چگو نه میتواند مادرش را یاری کند.
- مشق ۹. جمله‌های مرکب تابع زیر را، که عطف و ربط تابع کننده دارند، بخوانید و رو نویس کنید. و بعد برای معترضه‌های هر جمله سوال مناسب بگذارید نوعیت زمانی، مکانی و غیره آنها را مشخص کنید:

۱. هزار سال است، و جو دافسانه بی رستم در مردمان مار و ح میهند و سستی، دلاوری و مردانه گی میبخشد.
 ۲. آیا میدانی، در این ماه مزد کار شبانه ام چند برابر شده است.
 ۳. این کار باعث شد، آثار خسته گی و فرسوده گی در او بیشتر پدیدار شود.
 ۴. قرار گذاشته بود، نام و نشان مشتری کهار ابروی پاکتها بنویسد.
- مشق ۱۰. شعر زیر را بخوانید و مفهوم آن را به عبارت خود بنویسید. کوشش کنید، در نوشته‌تان چند جمله مرکب تابع بدون عطف و ربط به کار بیاورید:

مهدد لیوان
 وطن ای نام تو همیشه باد
 که هستی از نیا کانم نشانی
 مباد ای تو مار از نده گانی
 و وطن ای نام نیکت جاو دانی

تر اچون جان شیرین میپر میتم،
 که تو از اجدادم نشانی هستی

تو قلب آسیا مهد دلیران
 نمایان است چون سی دررگ تان
 فضای کوهسارت روح پرور
 ز اشک ماشده رنگین بهارت
 به چشمم پاره سنگ شفاقت

ز کوهسارت الهی چشم بد دور
 بهارت ایمن از باد خزانی
 در جمله های سر کب تابع بدون عطف و ربط جای جمله های عمده آنها

مشق ۳۱. در جمله های سر کب تابع بدون عطف و ربط جای جمله های عمده آنها سفید گذاشته شده است. شمادر کتابچه های خود با استفاده از جمله های بین جرات آن جایهای سفید را پر کنید:

۱. ، پسرش نیز دهقان بار آید.	مدتهاست.
۲. ، این آرزو را به سر سپردیم.	شنید.
۳. ، چند روز بعد به سفر خواهد رفت.	او آرزو میکرد.

مشق ۳۲. متن زیر را بخوانید و جمله های سر کب تابع آنها را بیرون نویس کنید و بعد چگونگی جمله های معترضه آنها را مشخص نمایید:

هنر و پیشه

در تاریخ ملوک عجم دستور است، که در آن وقت، که گشتاسپ از مقر عز خویش بیفتاد و آن قصه غریب و نادر. چون به روم رسید، با وی از دنیایی هیچ نبود و همت بلندش یاری نمیداد، که دست سؤال پیش کسی دراز کردی. مگر چنان اتفاق

افتاد، که در کودکی در سر ای پدر خود آهنگران دیده بود، که کاردها و تیغها و ر کابها کردندی و او راهوس آن بود هر وقت بیامدی و بر سر ایشان بنشستی. سگر در طالع او این صنعت افتاده بود و خاطر او بدان مسامحت نموده.

چون در ماند و هیچ حیلتی ندانست به نزدیک آهنگران رفت و گفت: من این صنعت میدانم، او را مزدور گرفتند و چندان که در آن جا بود، از این صنعت قوت و روزی حاصل میکرد و به کس محتاج نبود، تا آن که به وطن خود باز رسید و چون بر تخت پادشاهی نشست، مثال داد، تا جمله محتشمان فرزندان خود را حرفت در آموختند و در عجم آن رسم مستمر شد و هیچ محتشمی نبود، که پیشه بی ندانستی، اگر چه بدان محتاج نبود، چنان که گفته اند: پیشه باشد اما ز درویشی

(جوامع الحکایات عوفی)

مشق ۳۳. شعر زیر را بخوانید و مفهوم آن را به عبارت خود بنویسید. کوشش کنید، در مضمون تان جمله های سر کب تابعی به کار بیاورید، که دارای جمله های متعترضه متعدد باشند:

قطره باران

آن قطره باران بین ، از ابر چکیده
 یا همچو زبرجد گون یک رشته سوزن
 و آن قطره باران، که بر افتد به گل سرخ،
 و آن قطره باران، که بر افتد به گل زرد،

گشته سر هر برگ از آن قطره گهر بار
 اندر سر هر سوزن یک لؤلؤی شهوار
 چون اشک عروسیست، بر افتاده به رخسار
 گوئی، که چکیده است می زرد به دینار

کار در باران فصل جلد

پرسشها :

در بالا چند جمله خواندید؟

- دلایل تان را درباره جمله بودن آنها ارائه کنید؟

- جمله چیست؟

- در جمله سوم کدام کلمه ها عبارت را تشکیل داده اند؟

- عبارت چیست؟

- فرق عبارت از جمله چیست؟

- علمی، که جمله را می آموزد، کدام است؟

- نحو را تعریف کنید.

مشق ۳۴. متن زیر را و نویس کنید و به علامتهای توفیقی آن متوجه شوید:

از کجا دادانست؟

مردی يك كيسه گندم بر پشت خورش گذاشته بود و به آسیا میرود.

در راه به قهوه خانه یی رسید، خررا ایه درختی بست و داخل شد. وقتی

که بیرون آمد، خررا ندید. مرد به دنبال خر میگشت، که چشمش به

پسری افتاد. از او پرسید: تو خر مرا ندیدی؟

پسر پرسید: همان خری را، که چشم چپش کور بود؟ پای راستش می لنگید؟

پارگندم میبرد؟ مرد خوشحال شد و گفت: نشانیهایش درست است. آن را

در کجا دیدی؟

پسرک جواب داد: من خری ندیدم.

وان قطره باران ز بر سوسن کوهی

بر برگ گل نسرین آن قطره دیگر

آن دایره هاب نگراند رشمر آب

چون سر کز پر کار شد، آن قطره باران

گوی که ثریاست بر این گنبد در

چون قطره خوی بر زنج لعبت فرخ

هر گه که در آن آب چکد قطره امط

وان دایره آب به سان خط پر کس

(منوچهری)

مشق ۳۳. در جمله های زیرین جای جمله های معترضه آنها مفید گذاشته

شده است. شما جمله ها را در کتابچه خود بنویسید و با استفاده از جمله های داخل

چو کات جمله های مرکب تابع بدون عطف و ربط بسازید:

که به خود دست و پا کرده ام.

که خنده کنان به کویم می آید

که سند فراغت حاصل کرده است.

۱. دو ماه میشود.....

۲. خنده او سبب گردید.....

۳. دیدم.....

تکرار عمومی

مشق ۳۵. جمله های زیر را بخوانند و پس از تحلیل آنها به سوالات

پاسخ گویند:

۱. روز جمعه بچه ها از شوق گردش و تماشا زود از خواب برخاستند.

۲. ابوعلی سینا یکی از دانشمندان نهایت معروف کشور ما است.

۳. در ساعت هشت همه شاگردان به مکتب حاضر شدند.

۴. فردوسی با سرودن شاهنامه خدمتی بزرگ به ادبیات دری کرده است.

۵. کلیله و دمنه از کتابهای بسیار کهن جهان است.

سرد خشمگین شد و پسرک را پیش حاکم برد .

حاکم گفت : پسر جان ، اگر تو خر را ندیده بودی ، چي طور نشانی هایش

ر ادادی ؟

پسرک گفت : ^{سایه} سن ، که کور نیستم ، سر را هم رد پای خری را دیدم ،

که جای پای راستش کمتر از جای پای چپش گود افتاده بود . از این ، فهمیدم ، که پای راست خری ، که از این جا گذشته ، لنگه بوده است .

علفهای سمت راست جاده خورده شده بود ، اما علفهای طرف چپ دست -

نخورده مانده بود . از این فهمیدم ، که خر علفهای سمت چپ را ندیده است -

و حدس زدم ، که چشم چپش کور بوده است . از دانه های

گندسی هم ، که روی زمین ریخته بود ، فهمیدم ، که بارش گندم بوده است .

حاکم به هوش و فهم پسر آفرین گفت و او را آزاد کرد .

مشق ۳۷ . شعر های زیر را به آواز بلند بخوانید و توضیح کنید ، که علامت

های توقفی در آنها کدام وظیفه را انجام داده اند :

حق و باطل

کرد سردی از سخندانی سوال : حق و باطل چیست ای نیکو مقال ؟

گوش را بگرفت و گفت : این باطل است چشم حق است و یقینش حاصل است .

اشتر و حمام

آن یکی پرسید اشتر را که هستی ! از کجا سیاهی ای اقبال پسی ؟

گفت : از حمام گرم کوی تو . گفت : خود پیدا ست ، از زانوی تو .

باران

باز باران ،

با ترانه ،

با گهر های فراوان ،

میخورد بر بام خانه .

کودکی ده ساله بودم ،

شاد و خرم ،

نرم و نازک ،

چست و چابک .

باد و پای کود کانه ،

مید و یدم همچو آهو ،

میپریدم از سر جو ،

دور میگشتم ز خانه .

میشنیدم از پرنده

از لب باد و زنده ،

داستانهای نهانی ،

راز های زنده گانی .

مشق ۳۸ . جمله های زیر را بخوانید ، رو نویس کنید و به سوالهای ،

که بعد از جمله ها می آید پاسخ گوئید :

۱. شاکر دان در زیر سایه درختان باغ سکتب دور هم جمع شده بودند.
۲. من بیشتر روزها عصر هنگام به صحرای میر فتم، ولی در این وقت بچه ها با من نمی بودند.

۳. چرا ما باید خوب فکر کنیم؟

۴. هر یک از شاکر دان تعریف می کرد، که رخصتی تاهستانی را گذرانده است.

پرسشها:

- جمله اول و سوم از نگاه معنی چی گونه جمله میباشند؟

- جمله دوم و چهارم از حیث ساختمان چی گونه جمله میباشند؟

- جمله به طور عموم چندنوع است؟

- جمله ساده از نگاه معنی چندنوع میباشند؟

- جمله مرکب از نگاه معنی و طرز افاده چندنوع میباشند؟

مشق ۳. متن زیر را بخوانید و بگویید، که در آن از کدام نوع جمله ها استفاده

شده است:

ترانه های روستایی

از دیر باز بشر برای بیان عواطف، تخیلات و هیجانات درونی خود به سه چیز متوسل شده است. گاهی آن همه احساس و افکار را در قالب عبارات و الفاظ ریخته، که شعر به وجود آمده است زمانی آن را به افشاندن دست یا حرکات سوزون بروز داده است، که بدان رقص و پا کوبی گویند. باری آن همه تموجات و هیجانهای باطنی را در پرده آهنگ و آواز بیان داشته، که موسیقی و خنیاگری گفته میشود. و این سه همزاد از

آداب باستانی ملل عالم و از نخستین مظاهر زنده گی طبیعی و ذوقی بشر است. گذشته از این کلید احوال روحی یک ملت از قبیل شاد کامیها، رنجها، پیروزیها، شکستها، بزرها، رزمها و جز آنها در هنر آن ملت و خاصه در موسیقی آن منعکس است.

از همینجاست، که موسیقی را چون ادبیات آینه و تصویری از زنده گی مردم دانسته اند و این معنی در آوازه های محلی و موسیقی روستایی به صورت هر چه روشتر نمایان است. به طور کلی هر قدر این آهنگها اصیلتر، کهنتر و پاکیزه تر باشد، به همان اندازه پرارزش و قابل توجه خواهد بود. روی همین نظر است، که اسر و زبه آهنگهای، که در لایه های دره ها در پیچ و خم و ادیها، در دامن کوهها و در میان دیه ها و روستاها طنین انداز است، اهمیت خاصی قایلند، زیرا این الحان از یک طرف نمودار و نشانه گذشته آن مردم است و از طرف دیگر بنیان استوار و اساس محکمی بر ای موسیقی آینده آن ملت خواهد بود. آوازه های محلی چون تراویده روح مردم و نتیجه زنده گی طبیعی آنهاست، لذا با طبع مردم سازگار تر و به مذاق آنان گوارا تر است. این آهنگها مظهر و نماینده راستین ذوق، استعداد و توانایی معنوی توده است.

ما ملت افغان از لحاظ داشتن ترانه های روستایی و آهنگهای محلی از ملل غنی محسوب میشویم. از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب این کشور و آن قدر نغمه ها و آوازه ها به زبانهای دری، پښتو، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، نورستانی و سایر لهجه ها وجود دارد، که اگر همه آن را گرد آورده و رنگ و روئی نقی دهند و به اساس فنی

مطابق سازند بدون شک مقامی نظیر ترانه مقامی روسی، اسپانیایی و هنگری به دست خواهد آورد. این ترانه‌ها نتیجه هزاران سال زنده‌گی و نشانه تأثرات طبیعی و حقیقی و به منزله میراث‌گر از بس‌های اجداد ما است، که حتماً باید در حفظ و ضبط حمایت و پرورش آن سعی بلیغ به عمل آورد. این آهنگها، که مجموع عیبی از ناله‌های دل‌ماست، بارگ و جان‌ماشنایی دارد، که در مقام غم و اندوه آن را از سزه می‌کنیم و در موقع شادی و خوشی از نو‌های دل‌انگیز و جانپرو و آن‌سر دست می‌شویم.

مشقی ۴۰. جمله‌های زیر را بخوانید و بعد رو نویس کنید و به سو‌الهای بعدی جواب بگویید:

۱. پدر طرفم تحسین آمیز می‌خندید و من به خود بسیار لیدم.
۲. زمستان رفت، امارو سیاهی به زغال ماند.
۳. یا او به حقیقت اعتراف نمی‌کند، یا سو‌ضوع رنگ دیگری داشته است.
۴. امسال برف زیاد بارید ولی خنک کم بود.
۵. برادرم برای حل قضیه بسیار کوشید، لکن کوشش او جای را نگرفت.

پرسشها:

- جمله‌های را، که رو نویس کردید، کدام نوع از جمله‌سر کب میباشد؟
- جمله‌سر کب پیوست‌چی‌گونه جمله میباشد؟
- جمله‌سر کب پیوست‌توسط کدام عطف و ربطها می‌آید؟
- عطف و ربطهای جمله‌سر کب پیوست چندنوع اند؟
- از عطف و ربطهای پیوست‌کننده خلاقی و جدایی نام ببرید؟

مشقی ۴۱. جمله‌های زیر را رو نویس کنید و عطف و ربطهای مناسب را در آنها بگذارید.

۱. جمشید فو تبال را دوست میداشت، ... پدرش او را مانع میشد.

۲. نسیم میوزید ... عطر گلها همه جا را خوشبو میساخت.

۳. پرنده کک روزتار و زبزرگتر میشد ... پر هایش جذابتر میگردید.

۴. شکاری برای شکار به صحرارفت ... صید موجود نبود.

۵. او پیر به نظر میخورد ... عمرش بسیار کم بود.

مشقی ۴۲. بیت‌های زیر را بخوانید و مفاهیمی را، که از آن درک می‌کنید، به عبارت

خود دینو بسید. کوشش کنید، بیشتر جمله‌های تان جمله‌سر کب تابع باشند:

هنر آموز کز هنرمندی در گشایی کنی، نه در بندی

هر که ز آموختن ندانند ننگ در بر آرد ز آب و لعل از سنگ

و آن که دانش نباشدش روزی ننگ دارد ز دانش آموزی

ای بساتیز طبع کا هلکوشی که شد از کاهلی سفا لفروش

(هفتیکر نظامی)

مشقی ۴۳. شعر زیر را بخوانید و بگویید، که در آن از کدام عطف و ربطها

استفاده شده است:

مناظره نخ و سوزن

در دست، بانویی به نخ گفت سوزنی کای هر زگرده بسیر و بیسپاچه می‌کنی

سا بسیر و بیم، تا که بدوزیم پاره بی هر جا، که بسیر و بیم تو با ماچی می‌کنی

خند بد نخ، که همه جابا تو همراهیم بنگر به روز تجریده تنهاچی می‌کنی

هر پاره گی به همت من میشو د درست پنهان چنین حکایت پیداچی میکنی؟
 در راه خوبستن اثر پای ما بین ما راز خط خویش سجزاچی میکنی؟
 گر یک شبی ز چشم تو خ-ود رانها ن کنیم چون روز روشن است، که فرداچی میکنی؟
 جایی که هست سو زن و آمده نیست نخ با این گزاف و لاف در آنجاچی میکنی؟
 خود بین چنان شدی، که ندیدی مرا به چشم پیش هزار دیده بیناچی میکنی؟

پندار من ضعیفم و ناچیز و ناتوان
 بی اتعا دهن تو تو انا چی میکنی؟

(پروین اعتصامی)

مشق ۴۴ . جمله های زیر را رو نویس کنید و پس از تحلیل به این سو الهاباسخ

بگو بید :

- ۱ . دوستانش از او خو استند، که از چیز های دیدنی خود دبر ای شان قصه کند .
- ۲ . وقتی که سیبهار اچیدند، از خوشی در پیراهن نمیگنجیدند .
- ۳ . روز ها عصر، که میشد، به هو اخوری میرفتیم .
- ۴ . بعضی از شاگردان، که نمیخو استند، به آبازی اشتر الك نکر دند .
- ۵ . وقت آن رسیده است، که باغبانان شاخه های پر بار و سنگین درختان را سبک کنند .
- ۶ . هنگامیکه نامه رسان دروازه خانه ام رازد، دلم از خوشی در تپش آمده .

پرسشها :

- جمله سر کب تابع چیست ؟

- جمله سر کب تابع از کدام جمله ها تر کیب میشو د ؟

- جمله عمده چیست ؟

- جمله معترضه در کدام جای جمله سر کب تابع آمده میتواند ؟

- کدام نوع از جمله های معترضه را میشناسید ؟

- جمله معترضه از جمله عمده توسط کدام علامت توقفی جدا میشو د ؟

مشق ۴۵ . متن زیر را بخوانید و جمله های سر کب تابع آن را رو نویس کنید و تحلیل نمایید :

زنبور عسل

زنده گی این حشره چه سر مشق خو بیست برای کسانی ، که میخو اهندا اثر اد نوع خود را از شهد علم و معرفت شیرین کام سازند . ما باید از زنبور درس تمیز نیک و بد ، انتظام ، فعالیت ، فداکاری و محبت یاد بگیریم . بیبینم ، چی گونه او همیشه در چمن و گلزار در جست وجو ست . هر جا گلی و سیوه بی ، که شیر ذشیرین و بوی خوش دارد ، آن را میمکد و آنرا تبدیل به عسل میسازد و به ما ارزانی میدارد . چی طور از گلهای ، که شیره تلخ و مضر دارند ، اجتناب میکند . در نظم و ترتیب و جدیت ، و وظیفه شناسی و فعلیت خستگی ناپذیر خود انسانها را به حیرت سیاندازد . او خود پرست نیست و فقط در ساختن عسل شخص خودش را در نظر نمیگیرد ، زیرا بیشتر از آنچه ، که لازم دارد ، عسل میسازد . میان خود دو دیگران فرق نمیگذارد . برای خود عسل خوبتر و برای دیگران بدتر نمیسازد . واقعا اگر ما دارای این صفات شویم ، پرده ظلمت را میبردیم و به مقام فوق بشری نزدیکتر میشویم .

مشق ۶۴ • شعر زیر را بخوانید و مفهوم آن را به جمله‌های ساده به عبارت خود بنویسید:

اندر ز

بیا، تاجها ترا به بد نسپریم	به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پا یسار	همان به ، که نیکی بود یا دگار
همان گنج و دینا رو کاخ بلند	نخواهد بدن سر ترا سود دهند
فرید و ن فر خفرشته نبود	به مشک و به عنبر سر شسته نبود
به داد و دهش یافت آن نیکویی	تو داد و دهش کن فرید و ن تویی
سیازار موری، که دانه کش است،	که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل	چو خواهد که موری شود تنگدل
ستان گر به دند آن بخاید دلیر	بدر ز آوازا و چرم شیر
گرفتار فرمان یزدان بود	اگر چند دندانش سندان بود

(فر دوسی)

مشق ۶۷ • متن زیر را بخوانید و بعد جمله‌های مرکب پیوست آن را بیرون نویس کنید و نوعیت آنها را توضیح و علامتهای توقفی را در آنها رعایت نمایید:

داستان مرد باغبان با خسرو

روزی خسرو به صحرا بیرون رفت. باغبانی را دید پیر و سالخورده، اگر چه شهرستان و جو دشر و به خرابی نهاده بود و آمد و شد خبر گیران خبیر از چهار در و از هباز افتاده و سی و دو آسیاهمه در پهلوی یکدیگر از کار فرو مانده، لاکن شاخ

سلس در خزان عمر و بر گریز ان عیش شگوفه تازه پیر و نسی آورد و بر لب چشمه حیاتش بعد از رفتن آب طراوت خطی سبز سپیدید، در آخر حیات و سر آتب پیری درخت انجیری سینه‌شانند.

خسر و گفت: «ای پیر، جنونی که از شعبه شباب در موسم صبی خیزد، در فصل شیب آغاز نهادی. وقت آن است، که بیخ علایق از این منبت خبیث بر کنی و درخت در خرم آباد بهشت بر نشانی. درختی، که تو اسر و ز نشانی، سیوه آن کجاتوانی خورد؟ پیر گفت: «دیگران نشانند و ما خود ردیم. ما بنشانیم، تا دیگران خورند.»

بکاشتند و بخوردیم و کاشتیم و خوردند چو بگری همه بزریگران یکدیگریم خسرو از وفور دانش و حضور جواب او شگفتی تمام نمود و گفت: «ای پیر، اگر تر اچندان در این بستان سراسر ای کون و فساد بگذارند، که از این درخت سیوه به سن تحفه آری، خراج این باغستان ترا دهم. القصه امید به و فارسید، درخت سیوه آورد و تحفه به پادشاه برد و وعده به انجام پیوست.

مشق ۸ • شعر زیر را بخوانید و مبتداها و خبرها را در هر بیت آن نشان دهید:

گلها در بهار

به هر گلبن هزاری ساز برداشت	به هر سروی تذرو آو از برداشت
مشوغا فل، که ایام بهار است	سراسر کوه و صحرا لاله زار است
جهان رشک نگارستان چین است	صبا مشک ختن در آستین است
زمان عیسی دم و عنبر سرشت است	زمین مینووش از اردیبهشت است
چومی باران نیسان خوشگوار است	قسط در دستا بر نو بهار است

شراب فیض در مینای ابراست
پریشان زلف سنبل از نسیم است
صنوبر چون جوانان دوش بر دوش
سحر نرگس خمار آلوده خیزد
چو مستان ارغوان را دست ایام
سحر گاهان نسیم آهسته خیزد
چنان جنبانند اندر آینه آب
چمن را ابر آزاری نسوازد
ترشجهای ابراز هر کناری
نقاب افکنده باد از چهره گل
چنان در هر طرف بالیده سر وی
کنون اندر سر هر کس هو ایست

پیایی رشحه صهبای ابر است
نسیم از بوی او عنبر شمیم است
سمن چون گلر خان سیهین بنا گوش
شکر خند از دهان غنچه ریزد
شراب ارغوانی کرده در جام
چنان کز برگ گل شبنم نریزد
کز آن جنبش نیفتد عکس بر آسب
به بارانی، که خاکش گل نسازد
بود چندان که بنشاند غباری
گرفته شور در شوریده بلبل
خرامان هر طرف زیباتر وی
به هر شاخسی زهر مرغی نو ایست
(میرزا نصیر)

مشق ۹۳۰ متن زیر را بخوانید. بعد جمله های ساده تفصیلی یا منکشف آن را نشان دهید:

اعتماد به نفس

هدف و آرزوی هر شخص در زندگی رسته گاری، بهروزی و نیکبختیست.
بهروزی و نیکبختی به حصول نمیبوید، مگر در سایه اعتماد بر خویشتن.
کسی، که بر خویشتن اتکا داشته باشد، اراده اش نیرو میگیرد و عزمش استواری

سپیدبرد. بر عکس اگر دیگران را در زندهگی تکیه گاه خود قرار دهد و از آنان باری بجوید، اراده و نیروی سعی و مجاهدتش به سستی میگرداید و به ناتوانی میپیوندد، زیرا شخص در این حال انگیزه بی برای کوشش و مجاهدت نمیابد.
برخی از مردم، پیش از آن که به کاری آغاز کنند، به اندازه بی آن را دشوار تصور میکنند، که خود را از اقدام به آن کار به کلی عاجز میکنند و حال آن که اگر به آن اقدام کنند، آن را بهش از آنچه میپنداشته اند، آسان خواهند یافت.
کتر کسیست که در زندهگی او دشواری پیش نیاید. پیر و زمند کسیست، که دشواریها و سختیها را به چیزی نگیرد، بلکه بکوشد، تا بر آنها چیره شود و آنها را از میان بردارد.

مشق ۹۳۰. شعر زیر را بخوانید و مفاهیمی را، که از آن به دست می آید، به عبارت خود بنویسید. کوشش کنید، مضمونتان دارای جمله های ساده و مرکب باشد:

نام و ننگ

زبان مردم بیگانه بستن	بهین کاریست نام و ننگ بستن
بدان، کوه شمن بسیار دارد	هر آن کوه مردمان را خوار دارد
به بار آورد درخت خرمی را	بدید آور بهار مردمی را
کز آن بر جان بماند جاودان زنگ	نیروزد کام صد ساله به یک ننگ
به بیرونجی نیایی نیکناسی	به آسانی نیایی شاد کامی
نشوید آب صد دریا از او زنگ	اگر آسوده شد گوهر به یک ننگ
(از ویس و رامین)	

مشق ۱۵ . جمله های زیر را بخوانید، رو نویس کنید و زیر حال یا قیده های نحوی آنها خط بکشید و چگونه گی شان را مشخص سازید :

۱ . ثریا دلیرانه به سخن گفتن شروع کرد .

۲ . چند بار به برادرت گفتم .

۳ . بعد از باران کم - کم باد به وزیدن آمد .

۴ . ناگهان قرص ماه از پشت کوه نمایان شد .

۵ . در این دبستان دختران و پسران درس میخوانند .

۶ . به خاطر تجلیل از مقام علمی ابن سینای بلخی رساله یی به نشر رسید .

۷ . انسان آب را نادیده میزه را نمیکشد .

۸ . در خانه پیش روی پدرم به سن گفت .

۹ . در لابه لای این کتاب و آن کتاب موضوع را یافته نمیتوانی .

۱۰ . زدریا میکشد صیاد دام آهسته - آهسته .

به مطلب میرسد جو یای کام آهسته - آهسته

مشق ۱۶ . متن زیر را بخوانید و به پر سشهای، که بعد از آن می آید، پاسخ بنویسید :

جمعیت خاطر

هر صنعت، که تعلق به تفکر دارد، صاحب صنعت باید، که فارغدل و سرفه باشد،

که اگر بر خلاف این بود، سهام فکر او ستلاشی شود و بر هدف صواب به جمع نیاید،

زیرا که جز به جمعیت خاطر به چنان کلمات باز نتواند خورد. آورده اند، که یکی از

دبیران خلفای عباسی رضی الله عنهم به والی مصر نامه یی مینوشت و خاطر جمع کرده بود

و در بحر فکرت غرق شده و سخن میبرد داخت چون در ثمین و سأمعین، ناگاه کنیز کش در آمد و گفت: «آرد نماند.» دبیر چنان شوریده طبع و پریشان خاطر گشت، که آن سیاحت سخن از دست بداد و بدان صفت متغزل شد، که در نامه بنوشت، که آرد نماند. چنان که آن نامه را تمام کرد و پیش خلیفه فرستاد و از این کلمه یی، که نوشته بود، هیچ خبر نداشت. چون نامه به خلیفه رسید و مطالعه کرد. چون بدان کلمه رسید، حیران فرمود و خاطرش آن را بر هیچ حمل نتوانست کرد، که سخت بیگانه بود. کس فرستاد و دبیر را بخواند و آن حال از او باز پرسید. دبیر خجل گشت و به به راستی آن واقعه را در میان نهاد. خلیفه عظیم عجب داشت و گفت «دریغ باشد خاطر چون شما بلغارا به دست غوغای ما بحتاج باز دادن.» و اسباب ترفیه او چنان فرمود، که آن کلمه دیگر هرگز به غوغا و فرغش او فرو نشد. لاجرم آن چنان گشت، که معانی دو کون در دو لفظ جمع کردی.

(چاره مقاله عروضی)

پرسشها:

۱ . این جمله را در متن خواندید «آورده اند، که یکی از دبیران خلفای عباسی،

رضی الله عنهم به والی مصر نامه یی مینوشت و خاطر جمع کرده بود و در بحر فکرت

غرق شده و سخن میبرد داخت چون در ثمین و سأمعین.» اکنون بگویند، که آن

جمله مرکب پیوست است، یا جمله مرکب تابع و چرا؟

۲ . اگر جمله مرکب تابع است، چگونه مرکب تابع است و اگر مرکب پیوست

است، چگونه مرکب پیوست است؟

۳. در جمله معترضه آن کدام يك از اجزای اساسی جمله متعدد آمده است؟

۴. جمله عمده آن کدام است؟

مشق ۵۳. شعر زیر را بخوانید، مفهوسی، که از آن به دست می آورید، بد عبارت

خود بنویسید و هم به پرشهای بعدی آن پاسخ بگویید:

آشتی

بیا، تا قدر یکدیگر بدانیم، که تا ناگاه یکدیگر نمائیم.

کریمان جان فدای دوست کردند سگی بگذار، ما هم سرد مانیم.

غرضها تیره دارد دوستی را غرضها را چرا از دل نسرا نیم.

کیمی خوشدل شوی از من که سیرم چرا اسرده پرست و خصم جانیم

چو بعد برگ خواهی آشتی کرد همه عمر از غمت در استحا نیم.

کنون پندار، مردم، آشتی کن، که در تسلیم ما چون مرده گانیم.

جد برگو رم بخواهی بوسه دادن رحم را بوسه ده، کا کنون همانیم.

حموشی کن مرده وار، ای دل از برا

سه هستی متهم سا زین زبا نیم

پر ششها:

۱. چرا در بیت آخر این منظومه کلمه «ای دل» بین دو کلمه آمده است؟

۲. در مصرع اول بیت اول جمله عمده و جمله معترضه آن کدام است؟

۳. کلمه (غرضها) در بیت سوم از نگاه تحلیل نحوی جی نقشی دارد؟

یعنی کدام يك از آن به حیت جزء اساسی جمله و کدام يك آن به حیت جزء غیر

اساسی جمله آمده است و چرا؟

مشق ۵۴. متن زیر را بخوانید و بعد بگویید، که در آن چی نوع جمله های کار رفته است.

جمله های ساده است، یا مرکب. اگر ساده است چی نوع ساده است؟ منکشف است،

یا نامنکشف؟ از جمله های ساده منکشف آن جمله های ساده خلص (نامنکشف)

سازید.

داستانها

همه ملتها کم و بیش داستانهای از گذشته گان خود به یاد دارند. مردمان از زمان

های بسیار دور داستانگویی را آغاز کرده اند. پدران و مادران ما برای فرزندانشان

خود داستانها گفته اند و فرزندانشان، که بزرگ شدند، داستانها را برای فرزندانشان خود

باز گفته اند. به این قسم داستانها سینه به سینه از نسلی به نسل دیگری رسیده

است.

داستانها از اندیشه ها، عاداتها، خیالها، آرزوها، عقیده های پیشینیان با ما

مخبر میگویند، از این رو میتوان آنها را یکی از کهنترین منابع تاریخ نیز به شمار آورد.

در روزگار ان قدیم آدمیان علت بسیاری از پدیده های طبیعی را نمیدانستند،

مثلاً آنمیفهمیدند، چرا خورشید از مشرق برمی آید و به مغرب میشتند، رعد و برق

از چی پیدا میشود. از این رو در عالم خیال در باره آنها داستانها و افسانه های ساخته شدند.

بسیاری از داستانها از این راه پیدا شده است.

داستانها انواع گونه‌گون دارد. قهرمانان برخی از داستانها جا نوران استند. کودکان این نوع داستانها را بیش از داستانهای دیگر دوست میدارند. معروفترین کتابی، که داستانهای از زنده‌گی جانوران را در آن میخوانیم، کتاب کلیده و دمنه است.

کلیده و دمنه از کتابهای بسیار کهن جهان است. اصل این کتاب به زبان هندی است. در زمان انوشیروان ساسانی و به فرمان او این کتاب را به زبان پهلوی (زبان دوره ساسانی) ترجمه کردند.

قهرمانان برخی دیگر از داستانها موجودات خیالی استند. موجوداتی که مردم آنها را در خیال خود ساخته و پرداخته و آنچه خود میخواستند، از زبان آنها بیان داشته‌اند. کتاب هزارویک شب از این نوع داستانها فراوان دارد. داستانهای دیگری هست، که به آنها افسانه‌های تاریخ گفته میشود: روزگاری بود، که مردم خواندن و نوشتن نمیدانستند، ماجراهای، که در آن روزگاران اتفاق میافتاد، سینه به سینه از پدران به فرزندان میرسید و با گذشت روزگار دگرگون میشد. آن گاه که مردم خط را اختراع کردند و نوشتن یاد گرفتند، آن افسانه‌ها را در دفتر و کتاب گرد آوردند. برخی از داستای شاهنامه فردوسی افسانه‌های تاریخی است.

سشق ۵۵ شعر زیر را بخوانید و بگویید، که کدام مصرعهای آن به وسیله عطف و ربط جدایی باهم وصل شده‌اند و هم به هدایت و پریش بعد از شعر پاسخ بنویسید:

طلوع آفتاب

روز آمد و علامت مصقول بر کشید
وز آسمان شمامه کافور بردمید
گویی، که دوست قرطه شعر کبود خویش
تا جایگاه ناف بعمد افرو درید
خورشید با سهیل عروسی کند همی
کز بامداد کله مصقول بر کشید
وان عکس آفتاب نگه کن علم - علم
گویی به لاجوردی سرخ بر چکید
یا بر بنفشه زار گل نارسایه کرد
یا آتش شعاع ز مشرق فروختند
چون خوش بود نبید برای تیغ آفتاب
جام کبود و سر خنبد و شعاع زرد
آن روشنی، که چون به پیاله فرو چکید
یا پر نیان لعل کسی باز گسترید
خاصه که عکس آن به نبید اندرون پدید
گویی شقایق است و بنفشه است و شنبلیله
گویی عقیق سرخ به لؤلؤ فرو چکید
(کسای مروزی)

پرسشها:

۱. مفهومی را، که از خواندن شهر بالا حاصل کردید، به عبارت خود بنویسید.

۲. بیتها و خبرها را نشان دهید؟

واژه‌های مشکل:

مصقول: صیقل شده

قرطه: بهضم قاف معرب کوتاه، پیرهن

شمامه: بوییدنی

کله: به کسر کاف به معنی پرده

گل نارسا: گل انار

خوید: سبزه نوری

مشق ۵۶ . متن زیر را بخوانید . جمله های سر کتب تابع آن را رو نویسی کنید
و نوعیت جمله های معترضه آنها را معین کنید :

نمایش

همچنان که داستانها انواع گونه گون دارد، برای آگاه شدن از داستانها نیز راههای
گونه گونی هست . میتوان داستانها را در کتابها خواند ، میتوان آنها را
از زبان داستانگو یا نقل شنیده، میتوان آنها را در نمایش دید .

نمایش آنست، که عده یی خود را بجای قهرمانان داستان بگذارند و صحنه های
آن را یک به یک بازی کنند . نمایش خود شکلهای و شاخه های گونه گون دارد .
اگر باز یکنان داستان سخن نگویند و تنها با حرکتهای بدن و حالتها ی
صورت صحنه های را نشان دهند، به نمایش «پانتومیم» میگویند، و اگر این حرکتها و
حالتها همراه موسیقی به صورت رقص درآید، به نمایش «بالت» میگویند . اگر
قهرمانان نمایش همراه با موسیقی به آواز باهم سخن بگویند و بازی کنند، نمایش «اپرا»
نامیده میشود . نمایشی، که در آن به جای آدسی عروسکها بازی کنند، «خیمه شبازی»
نام دارد . و هرگاه از صحنه های نمایش با دور بین فلمبرداری شود و بعد این
تصویرها به صورت متحرک روی پرده نشان داده شود، اسم نمایش «سینما»
میشود . نوشته یی را، که از روی آن فیلم سینمایی تهیه میشود ، «فیلمنامه یا سناریو»
مینامند . فیلمنامه هم داستان فلم را شرح میدهد و هم شرح جزئیات صحنه های فیلم
و چگونگی فلمبرداری را بیان میکند .

نمایشی ، که امروز در سراسر جهان پدید آمده همگام است و رواج بسیار
دارد ، معمولاً به نام «تئاتر» نامیده میشود ، تئاتر هم نام نمایش است و هم نام محلی
که نمایش در آن برگزار میشود .

مشق ۵۷ . شعر زیر را بخوانید و به پرسشهای بعدی آن پاسخ گوید :

آسیا

رفت سوی آسیایی بوسعید	آسیا را دید در گشتن مرید (۱)
ساعتی استاد، آخر باز گشت	با گروه خویش صاحب از گشت
گفت است این آسیا استاد نیک	چشم نا محرم نمیبیند و لیک
زانکه با من گفت این ساعت نهان	کاین زمان صوفی منم اندر جهان
در تصوف گرتو رنجی سببری	من بسم یرتو در صوفیگری
روز و شب در خود کنم دایم سفر	پایبر جایم ولیکن در گذر
گر چه میجنبم نمیجنبم ز جای	میروم از پایه سر از سر به پای
بستانم بس درشت از هر کسی	بیده هم بس نرم و سگردم بسی
گر همه عالم شود زیر و زبر	نیست جز سر گشته گی کارم دگر
لاجرم پیوسته در کار آمدم	کار را همواره هموار آمدم

(عطار)

پرسشها :

- ۱ . مفهوم و نتیجه بر او، که از این شعر میگیرید ، به عبارت خود بیان کنید .
- ۲ . لپسوندها و پیشوندهای، که در این شعر به کار رفته نشان دهید .
- ۳ . پیشینه ها را در شعر فوق نشان دهید و هم فرق بین پیشینه و پیشوند را بگوئید .

مشق ۵۸ . متن زیر را بخوانید و بعد در کتابچه های خود جمله های سر کتب
تابع آن را بنویسید و نوعیت جمله های معترضه آنها را معین کنید :

(۱) مرید : راسخ به عزم ، پایبر جا ، استوار

حکایت

آورده اند، که انوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نذک نبود. غلامی به او ستارفت، تا نذک آرد. انوشیروان گفت: «نذک به روشن شود تا رسمی نشود و دوده خراب نگردد» گفتند: «از این قدر چی خلیل آید؟ گفت: «بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد، بر او سزیدی کرده تا بدین غایت رسیده.

اگر ز باغ رعیت نذک خورد سببی بر آورند غلامان او درخت از بیخ به پنج بیضه که سلطان ستم رو ا دارد ز نندلشکر یا نشهزار سرخ به سیخ (گلستان)

مشق ۹۵. غزل زیر را بخوانید و بد پر سشهای، که بعد از آن می آید، پاسخ

گویند:

غزل

نفس باد صبا شکفتن خواه شد
عالم پیر دگر باره جو آن خواهد شد
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نکر آن خواهد شد
این تطاول، که کشد از غم هجران بلبل
تاسر ابر ده گل نعره ز نان خواهد شد
گر ز سجده خرابات شدم خرده بگیر
سجس و عطر دراز است و زمان خواهد شد
ای دل، ارعشرت اسر و ز به فر دافگنی
سایه نقد بقار اکی ضمان خواهد شد؟

ماه شعبان سینه از دست قدح، کاین خو رشید

از نظر تاشب عید رمضان خواهد شد

گل عزیز است، غنیمت شمریدش صحبت

که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

مطر با، مجلس انس است، غزل خوان و سرود

چند گویی، که چنین رفت و چنان خواهد

حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود

قدسی نه به و داعش، که روان خواهد شد

(حافظ)

پرسشها:

۱. در بیت اول و دوم سبدها و خبر هار نشان دهید و نوعیت آنها را واضح-

سازید؟

۲. در بیت ششم و هفتم جمله عمده و جمله معترضه کدام است و معترضه آنها چی نوع

معترضه است؟

۳. مصرع اول بیت هفتم جمله مرکب پیوست است یا جمله مرکب تابع و چرا؟

۴. کلمه «شد» در کدام بیت ها به حیث معاون فعل و در کدام بیتها به حیث فعل اصلی.

که معنی «رفت» را بدهد، به کار برده شده است؟

۵. در بیت دوم پرکننده های مستقیم و غیر مستقیم را نشان دهید؟

۶. شعر زیر را بخوانید و مفهوم آن را به عبارت خود بگویید، بعد

و واضح سازید، که هر مصرع این شعر چی نوع جمله است. جمله ساده است، یا جمله

مرکب و چرا؟ از هر مصرع آن جمله ساده خلص (فامنکشف) بسازید:

شعر وحدت

ما همه کرد کان خندانیم
 نسل پرشور را در دانیم
 ما درین باغ نو نهالانیم
 نو نهالان باغ عرفانیم
 ما ز دانش چو باخبر گردیم
 نو نهالان پر ثمر گردیم
 هر کسی آرزوی ما دارد
 چشم امیدسوی ما دارد
 هو سرنگ و بوی ما دارد
 فکر رشد و نموی ما دارد
 ما گل باغ آرزو هاییم
 زان به چشم همه دلاراییم
 شعر وحدت شعار ما باشد
 عشق کشور و قار ما باشد
 خدمت خدای کار ما باشد
 علم و فضل افتخار ما باشد

فخر ما این ، که نسل نیکانیم

نو نهالان باغ عرفانیم

(ناصر طهوری)

بشقی ۶۱ . حکایت زیر را بخوانید. جمله های مرکب تابع و جمله مرکب پیوست آن را جدا جدا بنویسید و در جمله های مرکب تابع جمله های معترضه آن ها را نشان داده، نوعیت جمله معترضه را مشخص کنید و هم بنویسید، که کدام یک از جمله های مرکب تابع بدون ذکر عطف و ربط تابع کننده آمده است:

حکایت

آورده اند، که رو باهی در پیشه یی رفت. آن جا طبلی دید، در پهلوی درختی افکنده و هر گاه بادی بجهستی، شاخ دوخت بر طبل رسیدی و او از سوزناک آن گو شر و باه آمدی. چون رو باه ضحاکت جته بدیدو سهابت او از بشنید، طمع در بست

که گوی شتی پیوست او فر او از باشد. میگویند، تا آن را بدید. الحق

جز پوستی بیشتر نیافت. مرکب نهادت را در جوان کشید و گفت:

ندانستم، که هر جا جته ضخمتر و او از هایلتر، منفعت آن کمتر.

(کلیله و دمنه بهرامشاهی)

بشقی ۶۲ . شعر زیر را بخوانید و به پرسشهای بعدی آن پاسخ بنویسید:

آشوب خزان

بادهای سرکش و تند و مهیب
 سبککاند شاخ اشجار کهن
 اندرین آسمان و بگناه هولخیز
 باغبان از خوی دگر یزان استوسن
 در میان رستخیز
 سانده از جنگ و گریز
 زنی دل نظاره، نی تاب ستیز
 جست و جو کن در ضمیر کاینات
 آن بهاری، کز پیش ناید خزان
 در دلت از آرزو تخمی بکار
 کان نروید جز به افکار جوان
 بعد از آن اندر جهان
 زنده گسی کسب جاودان
 فارغ از باد خزان و دستبرد این و آن

(باریق شفیعی)

پرسشها:

۱. در شعری، که خواندید، مرکبها کدام اند؟
۲. مرکب چینی نوع کلمه را میگویند؟
۳. کلمه های مشتق کدامها اند؟
۴. چینی نوع کلمه را مشتق میگویند؟
۵. کلمه های بسیط یا ساده را در شعری، که خواندید، نشان دهید؟
۶. بسیط یا ساده چینی نوع کلمه را میگویند؟
۶۳. ضرب المثل های زیر را بخوانید و آنها را تحلیل صرفی و نحوی کنید و هم بگویید، که فرقی بین تحلیل صرفی و نحوی چینی میباشد و ریشه اسمها و فعلها را در آنها نشان دهید:

۱. صدا از یک دست نمیر آید.

۲. هر چه بکاری، همان بدروی.

۳. عمر دروغ کوتاه است.

۴. کم بخور و آسوده باش.

۵. جوینده یابنده است.

۶. بشک آن است، که خود دبوید، نه آن که عطار بگوسد.

۷. دانش روشنیست، جهل تاریکی.

۶۴. شعر زیر را بخوانید و به پرسشهای، که بعد از آن می آید،

پاسخ بگویید:

خاکبیر

بکند نسبی محمود میسند بی سپاه
خاکبیری دیدم بر خاک راه

کرده بود دهر جای کوهی خاک پیش
شاه چون آن دید باز و بند خویش

در میان کوه خاک او فگند
پس بر اند آنگاه چون بادی سهند

پس دگر شب باز آمد شهر یار
دید او را همچنان مشغول کسار

گفت آخر آنچه دو ش آن یافتی
ده خراج عالم آسان یافتی

مم چنان آن خاک سبیزی تو باز؟
پادشاهی کن، که گشتی بنیاز!

خاکبیرش گفت، آن زین یافتم

آن چنان گنجی نهان زین یافتم

پرسشها:

۱. از خواندن شعر بالاچی مفاد حاصل کردید؟
۲. کلمه های مرکب این شعر کدامها اند؟
۳. در شعر چند معین کننده و معین شونده را نشان دهید؟
۴. در کلمه های «بی سپاه» در بیت اول و «بنیاز» در بیت ششم در کدام کلمه «بی» پیشینه و در کدام «پیشوند» است و چرا؟
۵. چرا کلمه «بی» در آن کلمه هادر یکی جدا و دیگری یکجا نوشته شده است؟
۶۵. متن زیر را بخوانید و مفهومی را، که از آن درک میکنید، به عبارت خود بیان کنید و به پرسشهای، که در آخر متن می آید، پاسخ بگویید:

سرد کار زار

سرد کار زار باید ترس را به خود در آید و نفس را در آید و تکاب کار های بزرگ
 حر یص گر داند و دل را بر تحمل شداید و آلام به جهت ترقی بر مدارج عظامت و
 احتشام تر غیب نماید، تا صیت صوتش در همه آفاق منتشر گردد و او از سطوت و شو-
 کت در اقطار عالم همچون مثل سایر و دایر شود و آن، که اهل شرافت و سردی
 باشد، سرگ در نیکناسی را بهتر از زنده گی در بدناسی شناسد .

سر انام باید، که گر دد بلند
 که از نام گر دد کسی ار جهند
 به سردی شو دسر دآزاده فاش
 چون نام نکو هست، جان گو مباش
 رستم دستان گفته است، که هزار زخم بر من آید و دستم دارم، از آن که بر بستر
 بیماری همچو پیر زنان بمیرم .

به نام نکو کشته گردم رو است
 سر انام باید، که تن بر گد راست
 (ملاحسین و اعظ کاشفی)

پرسشها :

۱. در جمله های سر کب تابع جمله های عمده و جمله های معترضه شان را نشان دهد
 و نوعیت جمله معترضه آنها را مشخص کنید ؟
 ۲. در جمله عمده اول متن چند مبتدا و چند خبر به کار رفته است ؟
 ۳. در متن بالا جمله در کب تابع را نشان دهید، که يك جمله عمده دارای دو جمله
 معترضه پر کننده باشد ؟
- سشق ۶۶ . شعر زیر را بخوانید و در مصرع های آن جمله عمده و جمله معترضه را
 نشان دهید و نوعیت جمله معترضه را مشخص کنید و از مثالی، که بعد از شعر
 آمده است استفاده کنید :

بزرگی

عجب مدار، که نامردی آموز از آن خجسته رسوم و از آن خجسته سیر
 به چند گاه دهد بوی عنبر آن جامه که چند روز بماند نهاده باعتبار
 ز عمر نشمرد آن روز، کاندرو نکند بزرگ فتحی یا نشکنند یکی لشکر
 دلی، که رامش جوید، نیابد آن دانش سری، که بالش جوید، نیابد او افسر
 ز زود خفتن و از دیر خاستن هرگز نه ملک یا بد مردونه بر ملوک ظفر
 (عنصری بلخی)

مثال :

ز عمر نشمرد آن روز = جمله عمده

کاندرو بزرگ فتحی نکند، یا يك لشکری نشکنند = جمله معترضه

ز عمر نشمرد آن روز - کدام روز ؟

پاسخ : که در او بزرگ فتحی نکند و لشکری نشکنند . بنابراین جمله معترضه
 معین کننده است .

سشق ۶۷ . دو جمله منتخب از يك متن را بخوانید و به پرسشهای، که در آخر آن

می آید، پاسخ بگویید :

خرمن

قرص زرین آفتاب آهسته - آهسته در پشت قله های کوه میلغز ید. مراد با چشمهای
 میشی، بینی شگفته، رنگ گندمی، قدمیانه، شانه های پهن، کاکل سیاه، پیراهن و تنبان
 تافته قهوه یی، و اسکت بر لک و لنگی سندی سبز دو و ادو و خرمنش قدم سبز دو ته دیم
 داشت، خرمنش را بر دارد ...
 (سلیمان لایق)

۱. در جمله اول مبتدا کدام است و آن مبتدای ساده است یا ترکیبی؟ قید، مفعول و

درجه کدام است؟

۲. خبر و قید مکان در جمله اول متن کدام است؟

۳. در جمله دوم متن کدام جزء غیر اساسی جمله تعدد آمده است؟

۴. جمله دوم متن جمله مرکب تابع است، یا جمله مرکب پیوسته؟

۵. اگر جمله مرکب تابع باشد، عطف و ربط تا به معکننده دارد یا خیر؟ جمله عمده و

جمله معترضة آن کدام است؟

مشق ۸۷. شعر زیر را بخوانید و به پرسشهای، که در آخر آن بیاید، پاسخ گوید:

قدرت دسترنج

شهری شد زره دشت به ده	تا گشا یسد زد لش گشته گره
دید ز ا بنای دهش دهقانی	ببردش از راه سوی بستانسی
باغی آراسته چون باغ بهشت	بل کز آراسته گسی داغ بهشت
سیوه ها تاز و تر شاخ به شاخ	روزی باغ روان کرده فراخ
میب و ا مرود به هم مشت زده	فندق از خر می انگشت زده
تا کها کرده درا و بر پا به	همچو عا لیگهر ان پر ما به
نخشبهای وی از گوهر پاک	کرد با قوت تر آویزه تانک
هر که از فخری او کرده صفات	دهنش کرده پسر از حب نبات

شهری القصبه چو آن باغ بدید

سینکر داز پس و از پیش نگاه

همچو بادی که زدشت آید سخت

کندی آ انسان زد درختی سیبی

به سوی نار چو دست آوردی

و ریگی خوشه ز تانک افگندی

بیخو دیهانش چو دهقان میدید

شهریش گفت ز من این تگ و پوی

گفت من با تو چسی گویم آخر؟

نه یکی دانه به گل کاشته ای

نه زمینی ز تو آراسته گشت

نه شد از بیل گفت آبله دار

آبیاریت شبی خواب نبرد

در دلت نیست جز این اندیشه

کی زرنجم شود آکه دل تو

رنج همدرود کی داند؟ همدرود

گا و نفسش به چرا گسار رسید

همچو گرگی که فتد درومه گاه

سیوه با شاخ شکستی زد درخت

که رسانندی به درخت آسیبی

حقه لعل شکست آوردی

تانک از پا به به خاک افگندی

بر خود از غصه آن میسپید

گرنه برو وفق مراد است، بگوی

و ز تو انصافی جویم آخر؟

نه نهالی ز گل افراسنه ای

نه درختی ز تو پیراسته گشت

نه شدی غرقه به خون آبله وار

راحت خواب تسرا آب نبرد

کاین به خود درسته چو کره و بیشه

نیست جز بیخبری حاصل تو

شرح آن است به بیدردان سرد

پرسشها:

۱. در شعری، که خواندیده، اسمهای خاص، عام، معنی و سر کب را نشان دهید.
۲. چی گونه اسمها را اسم خاص، اسم عام، اسم معنی و اسم سر کب میگویند؟
۳. اسم در جمله چیه و واقعه شده میتواند؟
۴. عطف و ربطهای جدایی را در شعر بالا نشان دهید؟
۵. مشتق ۹. حکایتی را، که در زیر میخوانید، در آن جمله های سر کب تابع دارای جمله معترضه پرکننده، معترضه سبب و معترضه مبتدیه کار رفته است. شما آنها را استدلال مشخص کنید و هم به پرسشها پاسخ گوید:

حکایت

حاتم طایی را گفتند، که از خود بزرگ همتر در جهان دیده ای یا شنیده ای؟
گفت: بلی. روزی چهل شتر قر بان کرده بودم اسرای عرب را پس به گوشه
صحرایی به حاجتی بیرون رفته بودم. خار کنی را دیدم، پشته یی فراهم آورده،
گفتمش به سهمانی حاتم چرانروی، که خلق بر سماط او گرد آمده اند؟ گفت:
« هر که نان از عمل خویش خورد منت از حاتم طایی نبرد »
من او را به همت و جوانمردی از خود برتر دیدم.

پرسشها:

۱. در حکایت بعد از کلمه «بلی» چه انعطاف آمده است؟
۲. جمله سر کب تابع بدون عطف و ربط را در حکایت بالا نشان دهید.
۳. مشتق ۷. شعر زیر را بخوانید و متوجه شوید، که در بیت چارم آن سر کب

تابع دارای جمله معترضه پرکننده، در بیت پنجم سر کب تابع دارای جمله معترضه
سبب و علت و در بیت ششم سر کب تابع دارای جمله معترضه معین کننده به کار
رفته است. شما در آخر جمله های عمده آنها سوال بگذارید و معترضه ها را
پاسخ آنها قرار دهید:

ذم میخواره گی

چيست حاصل سوي شراب شدن	اولش شرو آخر آب شدن
درد دل از سوز او سروری نه	هر چه او داد جز غرو وی نه
توبه او دین و بخردی داده	او به توبه سوی و ددی داده
تواز او آن خوری، که هستی تست	او ز تو آن خورد، که هستی تست
عز طلب کردنم ز همت خوست،	که نیم هم چو سقله خواری دوست
هر شبی، کان زمانه بر تو شمرد	روزی از زنده گانی تو بیورد
در رخ ساه نو کسی خندد،	که از او سود و مزد بر بندد

(حدیقه سنایی)

مشتق ۷۱. حکایت زیر را بخوانید و به پرسشهای بعدی آن پاسخ گوید:

حکایت

اسکندر یکی از کار دانان را از عمل شریف عزل کرده و عمل خسیس به وی
داد. روزی آن مرد با اسکندر درآمد. اسکندر او را گفت: « چگونگی بینی عمل
خویش را؟ » گفت: « زنده گانی خداوند در از باد! نه سرد به عمل بزرگ شریف

گر دد، بلکه عمل به سرد بزرگ و شریف گردد. در هر عمل، که هست، نیکو
سیرتی بیاید و انصاف. اسکندر را سخن وی خوش آمد و عمل وی باز داد.
نه به منصب بود بلندی مرد بلکه منصب شود به سرد بلند

(جاسی)

پرسشها:

۱. در حکایت بالا اجزای اساسی و غیر اساسی جمله را نشان دهید و آنها را تعرف کنید؟

۲. چرا در حکایت بالا بعضی از جمله ها در بین ناخنگها گرفته شده است؟

۳. جمله خطابی در حکایت بالا کدام است؟

۴. در آخر جمله خطابی کدام يك از علامتهای توقیفی گذاشته میشود؟

۵. ضمیر مشترك را در متن بالا نشان دهید و بگوئید، که چرا به نام ضمیر مشترك

یاد میشود؟

۶. عطف و ربط خلافی را نشان دهید و آن را تعرف کنید.

مشق ۷۲. شعر زیرین را بخوانید و پرکننده های مستقیم و غیر مستقیم را در آن

نشان دهید و آن پرکننده ها را تعرف کنید:

همت بلند

گر سرد همتی، زسروت نشان سخواه صدجاشهید شو، دیت از دشمنان سخواه

کام از فلک سخواه و سراد از زمان سجوی ماه از زمین سجوی، و فای از آسمان، سخواه

- ۹۰ -

شریان ز پوست برکش و در کام تیغ نه لب را گلو بگیر و ز قاتل امان سخواه
طا و وس همتی، سر منقا و تیز کن یعنی که بال و پر مکش و سایبان سخواه
مجلس به نوحه گرم کن از کس نواسجوی خنجر به سینه تیز کن از کس قسان سخواه

(عرفی شیرازی)

مشق ۷۳. متن زیر را، که از قابو سنامه انتخاب شده است، بخوانید و به پرسشهای

بعدی آن پاسخ بنویسید:

حکایت

شنیدم، که در غزنین خبازان در دکانها بستندی و نان نایا بشد و غریب و درو
یشان در رنج افتادند و به تظلم به درگاه شدند و پیش سلطان ابوالهیم بنالیدند. فرمود
تا همه را حاضر کردند. گفت: «چرا آن تنگ کردید؟» گفتند: «هر باری گندم و
آرد، که در این شهر سی آرند، نان و ایان تو میخرند و در اتبار میکنند و میگویند
فرمان تو چنین است. و ما را نمیگذارند، که یک من آرد بخریم.» سلطان بفرمود، تا
خباز خاص را بیاورند و زیر پای پیل افکنند. چون ببرد، بردند آن پیل بستند و
در شهر بگردانیدند و بروی منادی میگردند، که هر که در دکان باز نگشاید از
نانبایان، با او همین کنیم. و انبارش خرج کردند. نمازشام بود در هر دکانی پنجاه
من نان بمانده بود و کس نمیخرد.

پرسشها:

۱. جمله اول حکایت یک جمله مرکب تابع دارای جمله های معترضه متعدد است.

شما جمله عمده و جمله های معترضه متعدد آن را نشان دهید؟

- ۹۱ -

۲. در جمله ها معین کننده هار انشان دهید و بگویید، که معین کننده غیر اضافی به چند قسم می آید؟

۳. در حکایت بالاسبتدای انشان دهید، که دارای خبر متعدد باشد؟

مشق ۷۳. بهاریه منتخب زیر را بخوانید و به هدایتها و پرسشهای، که بعد از آن

می آید، پاسخ بنویسید:

و صف بهار

نو بهار آمد و هنگام طرب در گلزار چه بهاری، که زد لهابر دصبر و قرار
ساقها بخیز، که گل وشک رخ حور اشد بوستان جنت و می کوثر و طو بیست چنار
مردم خواهد، که بجنبند به چنین وقت از جا کشته خواهد، که ز خون لاله کند یا گلنار
بلبل شیفته مستست و گل و سرو و سمن نپسندند، که او مست بود، ماهو شیار
باد نوروز سحر که چو به بستان بگذشت گل صد برگ برون رست ز پیراهن خار
چربدستی قمر بین تو، که بی خامه و رنگ کرد اطراف چمن را همه بر آتش و انگار
نقشبندی هوا با زنگه کن بر گل که دو صد دایره در دایره زد بی پر کار
(انوری)

هدایتها و پرسشها:

۱. از بیت اول شعر جمله سر کب تابع بسازید و بنویسید، که دارای جمله معترضه

مقصد باشد.

۲. از مصرع اول بیت دوم جمله سر کب تابع بسازید، که دارای جمله معترضه

هلت باشد.

۳. در مصرع دوم بیت دوم چند سبتدای چند خبر یافتند میتوانید؟

۴. بیت سوم جمله سر کب تابع دارای جمله معترضه پر کننده است، شما دلیل پر کنند

بودن آن جمله معترضه را بگویید؟

مشق ۷۵. متن زیر را بخوانید و به پرسشهای بعدی آن پاسخ ارائه کنید:

طبابت حیرت انگیز

در عهد سلطنت شاه و بعضی از عهد سنجر فیلسوفی بود به هرات و او را ادیب اسماعیل

گفتندی. سرد سخت بزرگ و قاضی و کامل، اما اسباب او و معاش او از دخل طبیعی بودی.

و او را از این جنس معالجات نادره بسیار است. مگر وقتی به بازار کشتاران بر میگذاشت.

قصابی گو سفندی را سلخ میگرد و گاهگاه دست در شکم گو سفندی کردی و بیه گرم

بیرون کردی و همیخورد. خواه اسماعیل، چون آن حالت بدید، در برابر او بقالی

را بگفت، که اگر وقتی این قصاب بمرده، پیش از آن که او را به گور کنند، مرا خبر

کن. بقال گفت: سپاس دارم. چون این قصاب را ماهی پنج، شش بر آمد. یکی روز

با صدادی خبر افتاد، که دو ش فلان قصاب بمرده مفاجایی هیچ علت و بیماری، که

کشید. و این بقال به تعزیت شده. خلقی دید جامه دریده و جماعتی در حسرت او هی سوختند،

که جو آن بود و فرزندان خود را داشت. پس آن بقال را سخن خواجه اسماعیل

یاد آمد و بدو بدو وی را خبر کرد. خواه اسماعیل گفت: «دیر مرده.» پس عصا

بر گرفت و بدان سر ای شد و چادر از روی مرده برداشت و نبض او در دست بگراشت

و یکی را فرمود، تا عصا بر پشت پای او همیزد. پس از ساعتی وی را گفت پسندیده است

پس علاج سگته آغاز کرد و روز سوم مرده برخاست و اگر چه مفلوج شد، سالها

بز بست پس از آن. سر دستان عجب داشتند و آن بز رک از پیش دیده بود، که او را اسکتد
خواهد بود.

(چهارمقاله عربی و ضعی)

پرسشها:

۱. درستی، که خواندید، پرکننده‌ها را ایباید و بگو بید، که آنها با خبر جمله‌ها از

کدام نگاه رابطه پیدا کرده‌اند؟

۲. رابطه پرکننده‌ها با خبر جمله به چند و اسطه صورت سیگیرد؟

۳. آن خبرها را نشان دهید، که به صورت گذشته استمراری ناقص استعمال شده باشد؟

۴. جمله‌های مرکب تابعی را ایباید، که دارای جمله‌های معترضه متعدد باشد؟

مشق ۷۶. شعر زیر را را بخوانید و مفهومی را، که از آن سیگیرد، به عبارت
خود دینویسید و کلمه‌های را نشان دهید، که پیشوند یا بسوند معنی‌شان را تغییر داده باشد:

نصیحت

سرنا سزایسان بر افراشتن	و زاییشان اسید بهسی داشتن
سر رشته خویش گم کردن است	به جیب اندرون سار پروردن است
درختی که تلخ است ویرا سرشت	گوش بر نشانی به باغ بهشت
و رازجوی خلدش به هنگام آب	به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سر انجام گوهر به بار آورد	همان سیوه تلخ بار آورد
به عنبر فروشان اگر بگذری	شود جامه تو همه عنبری
و گرتوشوی سوی انگشتگر	از و جز سیاهی نیابی دگر

ز بدگوهران بد نباشد عجب
نشاید ستردن سیاهی ز شب
ز ناپسا کتراده سدا رید اسید
که زنگی به شستن نگردد سید
ز بد اصل چشم بهسی داشتن
بود خاک در دیده انباشتن
چوپر و رد گارش چنین آفرید
نیابی تو بر بسند یزدان کلید

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست (فردوسی)

مشق ۷۷. متن زیر را زیر عنوان (دوستی میهن) بخوانید. بعد در خواهید
یافت، که در آن جمله‌های مرکب تابعی جمله‌های معترضه معین کننده و
جمله‌های معترضه متعدد و مرتب شارح به کار رفته است. شما آن جمله‌ها را در
کتابچه خود بنویسید و آنها را توضیح کنید:

دوستی میهن

چرا کشور خود را دوست میداریم؟ زیرا که پدر و مادرمان آنجا تولد یافته‌

اند. خون ما، که در رگهایمان دوران دارد، از آن است. همه گذشته‌گان ما، که
پدرمانشان را به احترام تمام به زبان میرانند، در آن خفته‌اند.

شهری، که در آن جابه دنیا آمده‌ایم، زبانی، که به آن تکلم می‌کنیم، کتابهای، که
و کرم‌مان را پرورش میدهند. طبیعت زیبای، که مناظر دل‌فریبش در پیرامون ما
گسترده است. خلاصه هر چه میبینیم و هر چه دوست داریم و به هر چه دل بسته‌ایم،
همه جز و کشور ما به شمار آید.

مشق ۷۸. شعر زیر را بخوانید. در آن جمله‌های سر کب تابع دارای جمله‌های
معتراضه معین کننده علت و مبتدای نشان دهید و دلیل ارائه کنید :

هنوزم ز خردی به خاطر در است که در لانه ما کیان بر برده دست
به ستقارم آنسان به سختی گزید، که اشکم چو خون از رنگ آن دم جهید
پدر خنده برگریه ام زد، که «هان!» و طنداری آمو ز ما کیان !
(ده خدا)

مشق ۷۹. متن زیر را بخوانید و به جمله‌های سر کب تابع آن، که دارای جمله
معتراضه سر تب شارح و معتراضه متعدد میباشد، دقت کنید. بعد به پر مشهای آخر متن
پاسخ دهید :

جمال طبیعت

در طبیعت مناظری وجود دارد، که قلم از ستایش آن ناتوان است، از این جهت
که به هیچ عبارتی آن همه زیبایی و دل انگیزی را تعبیر نمیتوان کرد. وقتی
بر کنار دریا جای میگیریم و زمزمه آسواج را میشنویم و جلوه آنها و بسه
هم خوردن کفهار اسپینیم، موقعی که در بیابان بیکران سفر میکنیم و در دامنه
افق لاجوردی در فراز و نشیب تپه‌ها جمال ساده طبیعت را به نظر می‌آوریم، هنگام
بیکه در دامنه کوه آتشفشان می‌ایستیم و فوران آتش را بر قلعه آن می‌نگریم و عظمت
و شکوه طبیعت را احساس میکنیم، روحمان از محیط عادی او ج میگیرد و در فضای
خیال بالا میرود.

پرسشها :

۱. جمله سر کب تابع دارای جمله معتراضه سر تب شارح چی نوع جمله میباشد؟
۲. جمله سر کب تابع دارای جمله معتراضه متعدد را تعریف کنید؟

مشق ۸۰. متن زیر را، که دارای جمله سر کب تابع بوده و آن جمله‌های معتراضه
متعدد و سر تب شارح به خود گرفته است، بخوانید و بعد در کتابچه خود جمله
عمده و جمله‌های معتراضه متعدد و سر تب شارح آن را جدا جدا بنویسید و هم به
پر مش آخر متن پاسخ گوید :

قطرات شبنمی، که صبحگاهان بر برگ درختان مینشینند، دانه‌های بارانی، که
چون درو گوهر از اقیانوس فضا بر زمین میریزد، آبهای صافی، که در جو بیار مانند
آینه لوزان دایم موج میزند، موجهای خروشان، که سطح دریاها را جولا -
نگاه خود قرار میدهد، همه نمونه‌های از جمال و زیبایی طبیعت است.

پرسش :

۱. جمله عمده متن بالا دارای کلمه خلاصه کننده میباشد و شما کلمه‌های خلاصه
کننده، را خوانده‌اید. اکنون آن کلمه خلاصه کننده را نشان دهید و طرز نوشتن
آن را بگوئید؟

مشق ۸۱. بیت‌های زیر را، که از حافظ است، بخوانید. در این بیت‌ها جمله‌های سر کب
تابع دارای معتراضه‌های علت، معین کننده، معتراضه درجه یا سر تب شارح موجود
است. شما آنها را پیدا کرده توضیح کنید :

الا، ای، طوطی گویای اسرار
سرت سبزو دلت خوش باد جاوید،
سخن سر بسته گفتمی باحر یفان
به روی مازن از ساغر گلابی،
چی ره بو داین، که زد در پرده مطرب
بیا و حال اهل درد بشنو
به ستوران سگو اسرار مستی
سکندر را نمیبخشند آسی
شوق ۸۲. متن زیر را بخوانید و آن جمله هایش را، که در پرشهای بعد از متن
می آید، در کتابچه خود بنویسید و مطابق به پرشهای تحلیل نحوی کنید:

مامون و دانشمند ناشناس

[روایت کرده اند، که مامون خلیفه عباسی جمیع علوم نیک سیدانست و در هر
هفته دو روز مجلس مناظره برپا میداشت، که در آن فقیهان و دانشوران برای
مناظره می آمدند و هر یک در سرتبه خویش می نشستند.] روزی مامون با فقیهان و دا-
نشوران نشست بود.
[مردی غریب، که جامه سفید کهن در بر داشت، به مجلس اندر آمد و پایتتر از
همه بنشست.] فقیهان به سخن گفتن شروع کردند و به حل مسائل پرداختند. ایشان
را عادت این بود، که مسأله را به اهل مجلس یگان-یگان عرضه میداشتند و هر کدام

از اهل مجلس و الطیفه بی یا نکته بی به نظر می آمد، آن را ذکر میکرد.] [پس مسأله بی
را، که در آن روز موضوع بحث بود، به تمامت اهل مجلس عرضه داشتند، تا نو بت به
آن مرد غریب بر سید.] آن مرد به سخن گفتن آغاز کرد و جوابی نیکو تر از جوابهای
فقیهان داد. [خلیفه سخن او را تحسین کرد و فرمود، که بالاتر از آن مکانی، که
نشسته بود، بنشیند.] چون مسئله سوم به میان در آمد، آن مرد جوابی نیکو تر باز گفت.
[آنگاه مامون فرمود، که نزدیک خلیفه بنشیند.] پس چون مناظره به انجام رسید، آب
حاضر آوردند و دستها بشستند و سفره بگستر دند و خور و دنی بخوردند. پس از آن
فقیهان برخاسته بیرون رفتند و مامون آن مرد را از رفتن معانت کرد و به خود
نزدیکتر نشاند و به ملاحظت و مهر بانی بیفزود و وعده احسان و انعامش بداد. آنگاه
مجلس شراب مهیا کرد و ندیمان را بخواست و ساقیان حاضر آمدند و بیمانه
شراب به گردش آوردند. چون دو رقدح به آن مرد رسید، در حال بر پای خاست و گفت:
«اگر خلیفه اجازت دهد، یک سخن بگویم.» خلیفه گفت: «هر چه خواهی بگو.» آن
مرد گفت: «بر خلیفه عیان شد، که من امر و زور این مجلس شریف از پست ترین مردمان
بودم. خلیفه زمان مرا به سبب اندک دانشی، که از من به ظهور آمد، به خود نزدیک
خواند و در درجه بلند جای داد. و اکنون هم میخواهد، که میان من و آن اندک دانش
جدایی افتد، تا از عزت به ذلت و از کثرت به قلت اندر آیم. حاشا که خلیفه جهان بر این
اندک دانش، که من دارم، حسد برد، از آن که مرد چون شراب بنوشد، عقل از او دور
شود و وجهل بدو نزدیک گردد و ادبش به یک سوی رود و در چشم مردمان پست
نماید. از رأی بلند خلیفه امیدوارم، که این گوهر گرانبهارا از من باز نگیرد.»

چون خلیفه سائون این سخن بشنید، او را مدحت گفت و در همان رتبت بلندش
بنشانید و به توقیر و تعظیمش بیفزود و از برای او صد هزار درم بداد و خلعتی
فاخرش بخشید و پیوسته در مجلس مناظره او را به خود نزدیکتر مینشانند .
(هزار و یک شب با تصرف و تلخیص)

پرسشها :

- ۱ . جمله اول متن، که در بین قوس های کلان گرفته شده است، جمله سر کب تابع
دارای جمله معترضه گونه گون میباشد، شما آن را توضیح کنید ؟
- ۲ . جمله معترضه گونه گون چی نوع جمله معترضه را گویند ؟
- ۳ . جمله دوم، که در بین قوس های بز رگ گرفته شده است، جمله سر کب تابع دارای
جمله معترضه معین کننده میباشد، شما آن را و واضح سازید .
- ۴ . جمله معترضه معین کننده چی نوع جمله را گویند ؟
- ۵ . جمله سوم متن، که در قوسهای بز رگ گرفته شده است، جمله سر کب تابع دارای
جمله های معترضه متعدد میباشد، شما دلیل آن را بگویند ؟
- ۶ . جمله معترضه متعدد چی نوع جمله را گویند ؟
- ۷ . جمله چهارم، پنجم و ششم، که در بین قوسهای بز رگ گرفته شده اند، جمله
سر کب تابع دارای جمله معترضه پر کننده میباشد، شما دلیل آنها را و واضح سازید ؟
- ۸ . جمله معترضه پر کننده را تعریف کنید ؟

و اژه های مشکل متن :

به ظهور و آمد - ظاهر شد
بر داختند - مشغول شدند
پست نماید - پست به نظر میرسد
بیمانه - در اینجا به معنی پیاله شراب
توقیر - بزرگداشت و احترام

حاشا - مبادا

فاخر - گران بها، نیکو و عالی
قدح - کاسه (در اینجا جام شراب)
ندیم - همنشین

مناظره - گفتگو از روی دلیل، مباحثه

طرز نوشتن فیصله های مجلس و خبرها (مقاله) برای جویده دیواری

طرز نوشتن فیصله های مجلس صنفی

مشق ۸۳ . در زیر طرز نوشتن فیصله مجلس شاگردان صنف نهم یکی از مکاتیب را
بخوانید، و نویس کنید، بعد یکی از موضوعهای را، که در آخر داده شده است،
انتخاب کنید و مثل آن يك فیصله دیگر بنویسید :

سجس شاگردان صنف نهم مکتب محمد اعتبار

تاریخ : ۵ حمل ۱۳۶۲ .

آجندة سجلس : اشترک الفعلانة شاگردان صنف نهم الف به کار داو طلبانه ، که عنقریب در مکتب برپا میشود .

راجع به آجندة سجلس فرید احمد سرجماعة صنف نظرش را به همصنفان خود بیان نهوده گفت : «در این روزها ، که روزهای اول بهار یعنی فصل کار و فعالیت است ، تمام زحمتهشان کشورسادر کارهای داو طلبانه (حشر) به صورت دسته جمعی سهم گرفته کارهای زیادی را از قبیل نهالستانی ، سبزو خرم گردانیدن منطقه ، جغل اندازی و پاک کاری راه ها و کوچه ها انجام میدهند . این عمل نیک پدران و برادران ما را نیز تشویق میکند ، که در این کار خیر و بر فیض فعلا ننه سهم بگیریم . بنابراین ما از همه شما دعوت میکنم ، که به روز جمعه با هم به صورت دسته جمعی کار داو طلبانه را انجام دهیم . هر کدام سادر اطراف باغچه مکتب خود دیک نهال ، که سجمعی عآ چهل نهال میشود ، غرس نماییم و هم در جغل اندازی خیابان مکتب تاسرک عمومی فعلا ننه سهم بگیریم» .

بعدا از بیانیه سرجماعة صنف سه نفر دیگر از شاگردان صنف نهم در باره مفاد کار دسته جمعی در کشور سخنرانی نمودند و همکاری خود را به سرجماعة صنف ابراز کردند و از همصنفان خویش خواهش نمودند ، تا در این کار سفید و ارزنده فعلا ننه حصه بگیرند .

در آخر سجلس شاگردان صنف نهم الف فیصله زیر را به تصویب رساندند :

۱ . روز جمعه همه ما با وسایل دست داشته خود ساعت ۷ صبح به مکتب حاضر میشویم و به کار داو طلبانه حصه میگیریم .

۲ . از اداره مکتب خواهش میکنیم ، که تا آمدن مانهالهار آماده و جای کار ما را تعیین نمایند .

رئیس سجلس : فرید

مشی سجلس : منوچهر

مشق ۸۴ . مثل فیصله سجلس بالا شما یکی از این موضوعها را انتخاب کنید و فیصله دیگر بنویسید :

۱ . میکوشیم ، تا صنف ما در سال جاری در تعلیم و تربیت پیشقدم گردد .

۲ . باید به شاگردانی ، که در دروسهای خود دیک اندازه ضعیف اند ، کمک و همکاری کرد .

۳ . اشتراک فعلا ننه صنف ما به کارهای سپورتی مکتب و خارج از مکتب

۴ . احترام به بزرگان و دستگیری از خورد سالان

طرز نوشتن مقاله برای جریده دیواری مکتب

مشق ۸۵ . هوشنگ یکی از شاگردان صنف نهم مقاله بی تحت عنوان « کتاب

نوشته و آن را در جریده دیواری گنجانیده است . شما آن را بخوانید و مثل

آن مقاله بی در موضوع دیگر نوشته کنید :

کتاب

بیشرفت و ترقی حیات امروزی ما حاصل دانستنیها ها و تجربه مردمان است ،

که پیش از مازنده گی داشتند . این پیشرفت و ترقی و تجربه نصیب ما نمیگردد، مگر آن که با افکار و اندیشه های گذشته گان خود آشنایی حاصل کنیم . یگانه چیزی، که ما را به این آرزو میرساند، مطالعه کتاب است . هیچ چیز مثل کتاب نمیتواند موضوع را در ذهن ما جاگزین کند . کتاب میتواند در تمام عمر همیشه رفیق و مؤنس ما باشد . کتاب یگانه وسیله ایست، که ما را به شناخت دوره های گذشته و اقب میگرداند . و از احوال جمعیت های پیش ما را آگاه میسازد . کتاب به ما می آموزد، که سردی بسیار بزرگتر از ما نیز چون ما رنج برده اند و در جست و جوی حقیقت کوشیده اند . به یاری کتاب میتوانیم از تنگنای جهان کوچک خود فراتر رویم .

مشق ۸۶ . مقاله زیر را، که یکی از شاگردان در موضوع عشق و وطن برای جریده دیواری مکتب خود نوشته است، بخوانید و شما مثل آن در موضوع «زیبایی طبیعت در فصل بهار» مقاله بی انشاء کنید :

عشق و وطن

کشور خود را دوست میداریم ، زیرا خودم، مادرم و پدرم در آنجا تولد یافته ایم . خونی، که در شراین وجود ما در دوران است، از همین کشور سر چشمه میگیرد . جایی که در آنجا به دنیا آمده ایم و زبانی، که به آن سخن میزنیم - و کتابهای، که فکر و ذهن ما را پرورش میدهد و روشن میسازد، برادر، خواهر، دوستان ما و طبیعت، زیبایی، که مناظر دلفریبش در اطراف ما گسترده است، خلاصه هر چه سببیم و هر چه دوست داریم، همه جز و کشور ما به شمار میروند .

محبت کشور را وقتی درک میکنیم، که از آن دور شویم . عشق به کشور را وقتی احساس میکنیم، که از سفر دور بازگشته دو چشم ما به افق مقابل، که زمین کشور است بیفتد و کوههای بزرگ آن را تماشا کنیم، آن وقت خود را در گون می یابیم، شور و هیجان درونی خود را مانند موج خروشان مییابیم، که از قهر دریای قلب جوشیده از دیده گان ما بصورت اشک پر از حسرت بیرون میریزد .

مشق ۸۷ . دعوتنامه بی زیر را، که شخصی به دوست خود نوشته، بخوانید و مثل آن چند دعوتنامه دیگر بنویسید :

دوست عزیز !

چون جمعه آینده مصادف با هشتمین سال تولد برادر دوست داشتیم ... است و به این مناسبت مجلس خوشی در منزل ما برقرار خواهد شد، مطمئنم، با وجود فعالیت های اجتماعی گوناگونی، که داری، دعوت مرا پذیرفته باشی و فرمایی خود دوستان را متخیر و مستفیض خواهی کرد .

دوست تو

مشق ۸۸ . تبریکنامه عید را در زیر بخوانید و مثل آن تبریکنامه دیگر بنویسید :

عزیزم !

اکنون، که خنده بهار دل روزگار را از شادی سیلر زانند و در رگهای طبیعت خون خوشی و سرو میجو شد، عید سعید را برای تو و دوستان مسرت بخش آرزو میکنم .

دوست تو

مشق ۸۹ . نامه خانواده گی زیر را، که یک پسر به پدر و مادر خود نوشته، بخوانید و
متوجه شوید، که در این نوع نامه ها جای مبدأ ، تاریخ، عنوان نامه و امضا
در کجا ها نوشته میشوند :

پدر و مادر عزیزم !

دو روز پیش از نو شن این نامه نامه شمار رسید و باگشودن آن دو فرحت بز رگ
به من پیدا شد: یکی نامه آن بز رگو اران ، که از هر سطر آن يك دنیای مهر بانی و عطا -
فت به نظر میخورد و چشمه راز و شن میگرد و دیگر عکسهای شما بود .

چندین بار نامه را خواندم، ولی در هر دفعه اشتیهای خود اندنم بیشتر میشد. با آن
که میدانم، گرفتار یهای زیادی دارید، تقاضا میکنم، با نامه های خویش زود - زود
بر اسعاد تمند ساخته و حداقل هر ماه یکبار جریان زنده گی تان را بر ایم بنویسید .

بعضی اوقات فکر میکنم ، که اگر صحبت آنهم صحبت خانواده گی در جهان نمیبود
نظام زنده گی چطور بر قرار میشد . کار های را ، که به من سفارش کرده بودید ،
با کمال دقت انجام گردید .

تحصیلم ادامه دارد و سو اظمت از برادران و خواهرانم راجز او وظیفه خود
میدانم. عموم بسته گان و دوستان سلامتند. برادران و خواهرانم خدمت شما سلام
بیر سازند، خودم هم دست شمار ابو سیده و آرزو مندم ، که با سو فقیه کامل از این
سافرت باز گردید .

به امید دیدار

امضاء
- ۱۰۶ -

مشق ۹۰ . نامه دوستانه زیر را بخوانید و به طور نوشت سبدهاء، تاریخ، عنوان، متن
و جای امضای نامه، که در کجا ها نوشته میشوند، توجه کنید، بعد شما هم مثل این
نامه به یکی از دوستان خود، که از شما بزرگتر باشد، بنویسید :

سبدهاء :

تاریخ :

دوست گرانمایه !

نامه، مرتاپا صحبت رسید. از این که در نامه خود نسبت به این جانب آن همه صحبت
و لطف را ابراز فرموده بودی، نهایت سپاسگزارم . در باره من اظهار نگرانی
کرده بودی، ولی خاطر به کلی جمع دار، که جز دوری تو، که رنج آور است، مشکل
دیگری ندارم. یک دنیا شرمند و نگرانم، که در پاسخ نامه ات تنبلی کردم، البته از
گرفتار یهای من خبر داری و با لطف نهایت دوستانه بی، که داری، اطمینان کامل دارم،
که این سو موضوع را به حساب فراموشی قبول نخواهی کرد .

دوست عزیزم ، کتابهای، که خواسته بودی، همراه با این نامه فرستادم، امید
است قبول خاطر افتد و خواستارم، که به فرمایش کار های بزرگتر بر بنده منت گذاری .
رجاسندم، هر جای که باشی، صحت مند و در کارت با موفقیت رو به رو باشی .
به پدر بز رگو آرزو دیگر اعضای فاسیلت سلام گرم بر ابلاغ فرما . فرصت را غنیمت
شمرده از راه دور دست پر صحبت را میفرستارم .

دوست صمیمی ات

امضاء

- ۱۰۷ -

ماخذ و رویدادها

۱. شاهنامه فردوسی
۲. مجله عرفان
۳. نثرهای ویکتور هوگو
۴. دیوان خاقانی
۵. گلستان سعدی
۶. جو ابع الحکایات عرفی
۷. اشعار ناصر خسرو بلخی
۸. بوستان سعدی
۹. دیوان حافظ
۱۰. اخلاق ناصری
۱۱. هفتپیکر نظامی
۱۲. دیوان نظامی گنجوی
۱۳. نوشته‌های رهنورد زریاب
۱۴. نوشته‌های م. رهین
۱۵. نوشته‌های باباکوهی
۱۶. نوشته‌های داود دزهدی
۱۷. نوشته‌های کوشان
۱۸. نوشته‌های الهام

۱۹. اخلاق محسنی

۲۰. نوشته‌های اسدالله حبیب

۲۱. دیوان منوچهری

۲۲. مرزبان نامه

۲۳. اشعار سیر زانصیر

۲۴. مثنوی ویس و رامین

۲۵. چارمقاله عروضی

۲۶. اشعار کسایی مروزی

۲۷. دیوان شیخ عطار

۲۸. اشعار ناصر طهوری

۲۹. کلیله و دمنه بهرامشاهی

۳۰. اشعار باریق شقیعی

۳۱. ملاحسین و اعظ کاشفی

۳۲. دیوان عنصری بلخی

۳۳. حلیقه سنایی

۳۴. بهارستان جامی

۳۵. اشعار عرفی شیرازی

۳۶. اشعار انوری ابیوردی

فهرست موضوعها

صفحه	عنوانها	شماره
۲۱ - ۱	یاد دهانی از درسهای صنف هشتم	۰۱
۲۲	موضوعهای صنف نهم	۰۲
۲۷ - ۲۲	جمله‌های مرکب تابع دارای جمله‌های پیر و متعدد یا معترضه چیده یا معترضه پی در پی	۰۳
۳۳ - ۲۸	جمله مرکب تابع دارای جمله پیر و درجه یا معترضه مرتب شارح	۰۳
۳۰ - ۳۳	جمله مرکب تابع دارای جمله معترضه مرتب شارح و معترضه متعدد	۰۴
۳۳ - ۳۰	جمله مرکب تابع دارای جمله معترضه گونه گونه	۰۵
۵۱ - ۳۵	جمله مرکب آمیخته (مختلط)	۰۶
۵۶ - ۵۱	جمله مرکب تابع بدون عطف و ربط	۰۷
۱۰۱ - ۵۶	تکرار عمومی جمله‌های مرکب تابع و مرکب پیوسته	۰۸
۱۰۱	طرز نوشتن فیصله‌های مجلس صنفی	۰۹۰

۳۷. اشعار دهخدا

۳۸. هزارویکشب

۳۹. انشاء و ناسه‌نگاری

۴۰. دستور زبان دری (نحو) تألیف دکتر محمدالله لطف.

صفحه	فهرست موضوعها	شماره
۱۰۳	طرق نوشتن مقاله برای جریده دیواری مکتب	• ۱۰
۱۰۵	طرز نوشتن دعوتنامه، تبریکنامه	• ۱۱
۱۰۶	طرز نوشتن نامه خانوادگی	• ۱۲
۱۰۷	طرز نوشتن نامه دوستانه	• ۱۳
۱۰۸-۱۱۰	ساخندور و یکردها	• ۱۴

این کتاب به دست صاحب کتاب است